

نقد و بررسی پیش نویس آیین نامه اجرای مدارس

معاونت مطالعات فرهنگی

کد موضوعی: ۲۷۰
شماره مسلسل: ۱۷۷۲۴
شهریورماه ۱۴۰۰

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۲.....	مقدمه
۳.....	بررسی کلیات
۷.....	بررسی مواد
۳۰.....	جمع‌بندی
۳۲.....	منابع و مأخذ



نقد و بررسی پیش‌نویس آیین‌نامه اجرایی مدارس

چکیده

مدرسه مهم‌ترین واحد اداری نهاد تعلیم و تربیت است که بی‌واسطه مأموریت تربیت و پرورش دانش‌آموزان و متریبان را در تراز سند تحول بنیادین آموزش و پرورش برعهده دارد، از همین‌رو نحوه مدیریت این واحد مهم آموزشی و پرورشی دارای اهمیت بسیار زیادی است. اگرچه نهاد مدرسه از دیرباز با مجموعه‌ای از قوانین، مقررات و دستورالعمل‌هایی مصوب اداره می‌شد، اما پراکندگی این اسناد گاهی چالش‌هایی را برای متولیان امر در مدارس ایجاد می‌کرد از این‌رو سبب شد تا در سال ۱۳۷۹ نخستین آیین‌نامه اجرایی مدارس به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش برسد.

با توجه به تغییرات و تحولاتی که طی این سال‌ها نهاد مدرسه در حوزه‌های مختلف اداری، آموزشی و تربیتی با آن روبه‌رو بوده است ضرورت دارد آیین‌نامه اجرایی مدارس نیز همچون سایر اسناد بالادستی در یک دوره زمانی مورد بازنگری و به‌روزروری قرار گیرد. از همین‌رو پیش‌نویس آیین‌نامه اجرایی مدارس در کمیسیون‌های شورای عالی آموزش و پرورش تهیه شده است و در این گزارش با پرسش‌هایی همچون میزان انطباق با اسناد بالادستی از جمله سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و ظرفیت پاسخگویی به پرسش‌های اجرایی مدرسه، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد اگرچه متن آیین‌نامه اجرایی سعی بر همسوسنمایی با سند تحول بنیادین دارد اما روح کلی و حاکم بر آن، همان روح حاکم بر آیین‌نامه اجرایی مدارس مصوب سال ۱۳۷۹ است و میان وضع مطلوب مدرسه از نگاه آیین‌نامه تا مواد آیین‌نامه فاصله بسیار وجود دارد و این مواد به تحقق آن وضع مطلوب قادر نیست. موضوع‌ها و مفاهیم بسیار مهمی همچون مشارکت والدین و خانواده‌ها در امر تربیت دانش‌آموز در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش وجود دارد که آیین‌نامه اجرایی مدارس در خصوص آنها سکوت کرده است و همچنین آموزش و پرورش یکی از حوزه‌هایی است که به دلیل شیوع کرونا در حال پشت سر گذاشتن تحولات جدی است به طوری که همه بازیگران آن از مدیران و معلمان مدارس گرفته تا خانواده‌ها و خود دانش‌آموزان، آموزش را در فضای جدیدی تجربه می‌کنند که شناخت کمی نسبت به آن دارند. این تجارب جدید آموزشی این سؤال را به ذهن برخی متبادر می‌کند که آیا این تحولات قرار است در آینده نیز استمرار پیدا کند و به بخشی از آموزش و پرورش تبدیل شود و چگونه اثر خود را باید در آیین‌نامه اجرایی مدارس نشان دهد و نکته دیگر آنکه پرسش‌های اجرایی در

مدیریت مدارس همچون نحوه هزینه‌کرد منابع مالی حاصل از فروش خدمات دانش‌آموزان یا استفاده از ظرفیت مدارس در غیر ساعات رسمی مدارس، بدون پاسخ مانده است.

مقدمه

مقررات و دستورالعمل‌ها که عموماً به صورت بخشنامه از سوی وزارت آموزش و پرورش و حوزه ستادی به مدارس ابلاغ می‌شوند، با هدف تسهیل امور، ایجاد وحدت رویه، پیشبرد صحیح و سریع فرایند آموزش و پرورش و اطمینان از انجام درست و قانونی کارها به جریان می‌افتند، اما مشاهدات تجربی و یافته‌های تحقیقاتی نشان می‌دهد، تعداد زیاد، تکراری بودن، متعارض و مغایر بودن، ارسال با تأخیر، محدودیت در زمان پاسخگویی و کم‌توجهی به شرایط واقعی و امکانات سبب شده بخش چشمگیری از این بخشنامه‌ها به جای کاستن از مسائل و مشکلات و تسهیل در امور آموزشی، پرورشی و اداری مدارس، بر مسائل و مشکلات مدارس بیفزایند.

لذا تدوین یک مجموعه منسجم به عنوان «راهنمای مدیریت مدارس» ضرورتی اساسی برای کیفیت‌بخشی و مدیریت بهینه مدارس است که با تدوین آیین‌نامه اجرایی مدارس در سال ۱۳۷۹ اولین گام آن برداشته شد. بدیهی است که تغییرات متعدد در سیاست‌ها و رویکردهای آموزش و پرورش، تغییر در اقتضائات و خواست جامعه از نظام تعلیم و تربیت، تغییرات در فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات تا حدی نواقص و کاستی‌های آیین‌نامه قبلی را معین کرده و ضرورت بازنگری آن و تدوین یک مجموعه جدید را برای راهنمایی مدیران مدارس ضروری کرده است.

اما سؤال اساسی این است؛ مجموعه‌ای که بناست تدوین شود باید شامل چه موضوع‌هایی باشد، یا به عبارت دیگر باید بتواند پاسخگوی چه سؤال‌هایی باشد. به نظر می‌رسد هر فردی برای مدیریت یک مدرسه نیاز دارد پاسخ سؤال‌های زیر را در یک مجموعه به روز، مستقل و شفاف و بدون نیاز به مصوبات، بخشنامه‌ها و اسناد دیگر در اختیار داشته باشد:

دارایی، اموال، فهرست اموال، روش ثبت و ضبط تغییرات آنها چگونه است؟

تعداد نیروی آموزشی و غیرآموزشی و مبنای محاسبه تعداد نیروی انسانی چگونه است؟

تأمین نیروی مورد نیاز مدرسه چگونه، در چه زمانی و با چه فرایندی انجام می‌پذیرد؟

شرح وظایف و اختیارات هر یک از نیروها چیست؟

ظرفیت فیزیکی مدرسه برای پذیرش چه تعداد دانش‌آموز مناسب است و حداکثر و حداقل آن

چقدر است؟

منابع مالی مورد نیاز چگونه محاسبه می‌شود، چقدر است و چگونه باید تأمین شود؟



فرایند، مرجع و چگونگی هزینه‌کرد مالی چگونه است؟
سیستم حسابداری و گردش‌های مالی و سامانه‌های ثبت و گزارش‌های مالی چگونه و کدامند؟
سوابق علمی و تجربی هر یک از کارکنان را چگونه باید مطلع شد؟
اهرم‌های تشویق، تنبیه و محدودیت و الزامات مدیر در مورد نیروی انسانی کدامند؟
ضوابط و قواعد ثبت‌نام و پذیرش دانش‌آموزان (مدارک مورد نیاز، سن، محدوده جغرافیایی سکونت و ...) چگونه است؟
سامانه‌هایی که نیاز است اطلاعات دانش‌آموزان، نیروی انسانی، برنامه‌ها و فعالیت‌ها در آنها ثبت، تکمیل و به‌روزآوری شوند کدامند؟
مسئولیت هر سامانه در شرح وظایف کدام پست سازمانی است؟
برای گرفتن مشورت و راهنمایی در زمینه شغلی به چه کسانی باید مراجعه کند؟
مهم‌تر از پرسش‌های قبل، مدرسه خردترین و البته مهم‌ترین واحد اجرایی وزارت آموزش و پرورش است که انتظار می‌رود همه آرمان‌ها و بایسته‌های این نهاد مهم تعلیم و تربیت در آنجا به اجرا درآید، بنابراین آیین‌نامه اجرایی مدارس می‌بایست تبلور اجرایی اسناد بالادستی وزارت آموزش و پرورش به‌ویژه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش باشد. به بیان دیگر، انتظار می‌رود آیین‌نامه اجرایی مدارس، مسیر اجرایی شدن سند تحول بنیادین در مدارس باشد.
حال با این دو پرسش مهم که آیا اسناد بالادستی به‌ویژه سند تحول بنیادین در آیین‌نامه اجرایی تبلور یافته است و آیا سند تحول بنیادین پاسخگوی پرسش‌های مطرح شده در حوزه مدیریت واحد مدرسه است؟ به بررسی و تحلیل آیین‌نامه اجرایی مدارس در دو سطح کلیات و مواد پرداخته می‌شود.

بررسی کلیات

۱. متن آیین‌نامه اجرایی در برخی موارد، عیناً متن اسناد راهبردی و بالادستی وزارت آموزش و پرورش است به‌نحوی که همان متون راهبردی در یک سند کاملاً عملیاتی و اجرایی تکرار شده است. درحالی که آیین‌نامه اجرایی برای مدیریت مدرسه نگاشته شده و باید تبلور اجرایی اسناد بالادستی و راهبردی باشد و نه تکرار عبارات آنها؛ زیرا متن آیین‌نامه اجرایی راهنمای عمل مدیران مدارس است و نباید نیازمند توضیح و تفسیر و ارجاع به دیگر متون و اسناد باشد.

نکته دیگر اینکه همسو بودن آیین‌نامه اجرایی با اسناد بالادستی به این معنا نیست که برنامه‌های ذیل اسناد بالادستی عیناً از همان ادبیات استفاده کنند و نباید از اسناد بالادستی به‌مثابه دیباچه‌ای برای تزئین آیین‌نامه اجرایی استفاده کرد بلکه باید روح و مأموریت‌های آنها در آیین‌نامه اجرایی جاری و

سازی باشد. این در حالی است که در خصوص ویژگی‌های مدارس در افق سند چشم‌انداز بیست‌ساله در آیین‌نامه اجرایی مدارس، عیناً همان عبارات سند تحول تکرار شده است.

۲. دسته‌بندی و تقسیم‌بندی صحیحی در آیین‌نامه مشاهده نمی‌شود و موضوع‌ها حول یک‌محور واحد در بخش‌ها و فصول گوناگون پراکنده شده است به نحوی که برای دریافت شرح وظایف یا موارد مرتبط با یک موضوع، باید همه متن ۱۶۲ ماده‌ای را جست‌وجو کرد. برای نمونه مواد مرتبط با نیروی انسانی در سراسر متن پراکنده شده است.

۳. از اشکال‌های اصلی وارده بر متن آیین‌نامه اجرایی این است که مدارس تحت عنوان مدرسه محوری و تمرکززدایی به حوزه‌هایی ورود داده شده‌اند که خارج از اختیارات آنهاست و این امر مانعی جدی فراروی تحول مدارس خواهد شد. برخی از این امور عبارتند از: به‌کارگیری نیروی انسانی، سندنگاری ذیل آیین‌نامه اجرایی، پیگیری مدارس غیرمجاز.

۴. اگرچه سند تحول بر نقش‌آفرینی مدرسه در جامعه به‌ویژه جامعه محلی تأکید بسیار دارد اما آیین‌نامه اجرایی این موضوع مهم را تقریباً نادیده گرفته است.

۵. آیین‌نامه اجرایی مدارس استقلال و بسندگی سندی ندارد، به‌نحوی که یکی از مواردی که در متن آیین‌نامه به‌وفور به چشم می‌خورد، ارجاع به مقررات، ضوابط و دستورالعمل‌هایی بیرون از آیین‌نامه است البته بدون اینکه نامی از آنها برده شود و فقط به لفظ (مربوطه) بسنده شده است. نکته دیگر این است که در خصوص برخی امور اجرایی مدارس، نیاز به مقررات و ضوابطی بوده که به آنها هیچ اشاره‌ای نشده است، همچون نحوه هزینه‌کرد منابع حاصله از اجاره فضای مدرسه در ساعات غیررسمی و یا سازوکار قرارداد همکاری با بخش خارج از مدرسه.

۶. براساس آنچه در متن ماده (۳) آیین‌نامه اجرایی آمده است، مدرسه و ویژگی‌های آن در افق سند چشم‌انداز تعریف شده است، باید به این نکته مهم توجه داشت که اگرچه در تدوین اسناد و برنامه‌های اجرایی می‌بایست اسناد بالادستی به‌ویژه سند چشم‌انداز را مورد توجه قرار داد اما باید به این نکته نیز توجه کرد که تنها کمتر از پنج سال تا انتهای افق بیست‌ساله سند چشم‌انداز باقی مانده است و ضرورت دارد آیین‌نامه اجرایی افقی فراتر را مدنظر قرار دهد زیرا که آیین‌نامه اجرایی به‌صورت آزمایشی نبوده بلکه سندی دائمی است. دیگر آنکه باید مواد آیین‌نامه سازوکار تحقق مدرسه مطلوب در افق سند چشم‌انداز را بیان و ارائه کنند در حالی که میان این وضعیت مطلوب و موارد آیین‌نامه شکاف وجود دارد زیرا آیین‌نامه عمدتاً برگرفته و تکرار آیین‌نامه اجرایی مدارس مصوب سال ۱۳۷۹ است.

۷. در بخشی از مقدمه گفته شده این آیین‌نامه «به‌مثابه نقشه اجرایی و کاربردی مدیریت مدارس» است. نکته‌ای که در اینجا خلأ آن به‌شدت وجود دارد این است که این آیین‌نامه یا این نقشه اجرایی برای کدام مجری یا مجریان است. به این معنی که به‌صراحت معین شود که این آیین‌نامه یا نقشه برای



مسئولان دوره‌های تحصیلی تدوین شده یا برای مسئولان مدارس غیردولتی یا برای مدیر و دیگر عوامل اجرایی مدرسه؟ نکته دیگری که می‌توان گفت این است که پیش‌نویس آیین‌نامه اجرایی مدارس، بیشتر به آیین‌نامه اداری شباهت دارد تا آیین‌نامه اجرایی.

۸. در بخش انتهایی مقدمه گفته شده این آیین‌نامه «می‌تواند بستر لازم برای ایفای وظایف و مأموریت‌های مدرسه و اهداف دوره تحصیلی را فراهم می‌کند». در اینجا نیز این سؤال مطرح است که هدف از تدوین این آیین‌نامه ارائه چارچوب اجرایی برای اداره مدرسه است یا بسترسازی؟ استفاده از کلمه «می‌تواند» برای آیین‌نامه‌ای که باید مقررات و چارچوب‌های لازم‌الاجرا، وظایف و اختیارات مدرسه، مدیر مدرسه و عوامل اجرایی مدرسه را معین کند در ادبیات آیین‌نامه‌نویسی منطقی به نظر نمی‌آید. بازه زمانی برای اعتبار این آیین‌نامه در قالب یک دوره چندساله تعیین نشده است، درحالی‌که باید سازوکار و دوره بازنگری در آیین‌نامه لحاظ شود.

آیین‌نامه اجرایی مدارس از عدم ارتباط سیستماتیک معاونت‌های آموزش و پرورش در راستای اجرایی‌سازی اهداف سند تحول بنیادین و مدرسه محوری رنج می‌برد و در آیین‌نامه قسمت‌های سازمانی مرتبط با هر یک از مواد مشخص نشده است.

۹. نکته حائز اهمیت دیگر این است که مدرسه پسا کرونا با مدرسه پیشاکرونیایی و کرونایی متفاوت است. کرونا در عین تهدید، ساختار غیرقابل انعطاف مدارس را منعطف کرده است. ظرفیتی که می‌بایست حتماً در بازبینی آیین‌نامه به‌عنوان یک اصل لحاظ شود. آیین‌نامه اجرایی مطابق با شرایط یادگیری ترکیبی و بستر جدیدی که در دوران کرونا شکل گرفت باید مورد بازنویسی قرار گیرد و به نظر می‌رسد که یادگیری ترکیبی با داشتن مزیت‌های هر دو رویکرد آموزش (سنتی و الکترونیکی) یک رویکرد مؤثر برای افزایش اثربخشی یادگیری و سهولت دسترسی به مواد آموزشی باشد. همچنین به‌دلیل ارائه فرصت‌های مختلف به‌منظور یادگیری، موجب آن می‌شود که در کنار افزایش جذابیت آموزش، به تفاوت‌های فردی فراگیران نیز به‌طور مناسبی توجه شود، زیرا همه افراد به یک شیوه یاد نمی‌گیرند و به همین دلیل استفاده از روش‌های مختلف برای آموزش ضروری به نظر می‌رسد. با توجه به ماهیت آموزش، پویایی آن، نوع محتوا و غیره، معلم در نهاد مدرسه می‌تواند دو روش آموزش حضوری (سنتی) و آموزش مجازی (الکترونیکی) را ترکیب کند. این روش به معلم کمک می‌کند تا برنامه و قواعد یادگیری را به بهترین نحو برآورده کند که در متن آیین‌نامه اجرایی مدارس، این امر مهم مورد توجه قرار نگرفته است. افزون بر الزامات فوق درخصوص بازنگری در روش مدیریت مدارس با توجه به شرایط کرونایی و آموزش مجازی باید به این امر مهم اشاره کرد که در شرایط کرونایی با ارائه آموزش مجازی مؤلفه‌های مهمی همچون ارزشیابی آغازین، میانی و پایانی، مشارکت والدین، بازخوردگیری از برون‌داد درسی، تعامل دانش‌آموزان، والدین و مدیران مدارس دچار تغییرات بنیادینی شده است و نقش متفاوتی از قبل به خود

گرفتند. از همین رو ضرورت دارد، آیین‌نامه اجرایی مدارس، نحوه مواجهه خود را با این مؤلفه‌های اساسی فرایند یاددهی-یادگیری مشخص کند و نسبت به آنها واکنش فعالانه‌ای داشته باشد.

همه وجوه آموزش و پرورش در یک موقعیت مشکل‌زا قرار گرفته و آموزش و پرورش ناگهان یک اکولوژی و یک زیست‌بوم جدید را تجربه می‌کند که همه ابعاد آن از نقش والدین، دانش‌آموزان، معلمان و مشکلات آنها، تولید منابع آموزشی، مدیریت مدرسه و برنامه‌ریزی آموزشی مدرسه به یک صورت‌بندی تازه نیاز دارد.

۱۰. بی‌توجهی به نقش و اهمیت والدین در آیین‌نامه اجرایی مدارس. اینکه دانش‌آموزان با موضوع آموزش مجازی چطور برخورد کنند و متوجه شوند یادگیری به‌عنوان یک اتفاق آمیخته با زندگی و نه مجزا از زندگی است می‌تواند در بستر خانه اتفاق بیافتد. این یک تغییر اساسی و یک ذهنیت تازه نسبت به این است که آموزش کجا اتفاق می‌افتد. درک این نکته که آموزش فقط در محیط مدرسه نیست و در خانه هم می‌تواند اتفاق بیافتد برای دانش‌آموزان به‌ویژه سنین پایین‌تر بسیار مهم و البته دشوار و چالشی است. به همین دلیل والدین از وضعیت کنونی شکایت دارند که فرزندانشان آموزش را جدی نمی‌گیرند و تکالیف خود را انجام نمی‌دهند و این از پیامدهای تبدیل آموزش از وضعیت حضوری و سنتی به شکل غیرحضوری است.

والدین در گذشته همه مأموریت و مسئولیت تربیت و آموزش فرزندان خود را به مدرسه سپرده بودند و انتظار داشتند صفر تا صد مسائل تربیتی را مدرسه انجام دهد اما حالا یک مرتبه متوجه شدند حضور کودک در محیط خانه و حذف کاری که مدرسه انجام می‌داده بار سنگین آموزش را برعهده آنها گذاشته و آنها به یک بازیگر خیلی مهم و جدی در آموزش و پرورش تبدیل شدند و در صورتی که آموزش غیرحضوری ادامه پیدا کند این نقش آنها ادامه خواهد داشت و باید در آیین‌نامه اجرایی مدارس دیده شود. واقعیت این است که در شرایط کنونی، خانواده‌ها در این باره دچار غافلگیری شدند بنابراین یکی از سیاست‌های مهم آموزش و پرورش در آینده، فراهم کردن زمینه‌های مشارکت معنی‌دار و مؤثر والدین در جریان تربیت و آموزش کودکان با روش‌های مختلف است که یکی از بسترهای تحقق چنین امری لحاظ کردن نقش پررنگ والدین در آیین‌نامه اجرایی مدارس است. همچنین نیازسنجی از والدین برای تدوین برنامه‌ها در راستای نیازهای دانش‌آموزان، امری ضروری است که نشانه‌ای از نقش والدین در این راستا در مدرسه وجود ندارد.



بررسی مواد

ماده (۱) - مدرسه سازمان آموزشی تربیتی است که برای تحقق تربیت رسمی عمومی در هر یک از دوره‌های تحصیلی از پیش‌دبستان تا پایان دوره دوم متوسطه، براساس ملاک‌ها و معیارهای وزارت آموزش و پرورش و در چارچوب اهداف، سیاست‌ها و برنامه‌های مصوب تأسیس، راه‌اندازی و اداره می‌شود. **بررسی:** در تعریف آورده شده «براساس ملاک‌ها و معیارهای وزارت آموزش و پرورش و در چارچوب اهداف، سیاست‌ها و برنامه‌های مصوب»، ذکر عباراتی چون اهداف، سیاست‌ها و برنامه‌های مصوب باعث عدم استقلال این تعریف و ابهام و سردرگمی مجری خواهد شد که اهداف و سیاست‌ها و برنامه‌های مصوب که در مدرسه باید به آنها توجه کرد کدامند؟ چرا این اهداف در آیین‌نامه اجرایی نیامده‌اند؟

ماده (۱)، **بند «۳»** و **«۴»** و **تبصره** - مدارس به تفکیک جنسیت (دخترانه و پسرانه) تأسیس و راه‌اندازی می‌شود. تطابق جنسیت کارکنان مدرسه با دانش‌آموزان الزامی است. در مواردی که به دلیل پایین بودن تعداد دانش‌آموزان، امکان تأسیس مدرسه به صورت مستقل وجود ندارد یا منطقه با کمبود نیروی انسانی متناسب با جنسیت دانش‌آموزان مواجه است، یا شرایط دیگری، اقتضا می‌کند، برابر شیوه‌نامه‌ای که به تصویب شورای آموزش و پرورش شهرستان/منطقه می‌رسد، عمل شود.

بررسی: از آنجایی که در این تبصره چالش عدم تناسب نیروی انسانی با دانش‌آموزان در منطقه یعنی پایین‌ترین سطح اداری رخ می‌دهد و به منظور کاهش فرایند بوروکراسی و اتخاذ تصمیم منطقی، بهتر و کارشناسی‌تر آن است تصمیم‌گیری در این باره برعهده کمیته برنامه‌ریزی منطقه باشد و نه استان؛ زیرا در بسیاری از موارد با توجه به وسعت جمعیتی، پهنای جغرافیایی و اقلیم‌های فرهنگی و بومی متفاوت مناطق گوناگون در یک استان، تصمیم‌گیری متمرکز با خطا همراه بوده و کارشناسی به نظر نمی‌رسد. دوم آنکه تصمیم‌گیری در مناطق از فرایند به شدت متمرکز تصمیم‌گیری در امور آموزشی می‌کاهد. همچنین مدرسه نهاد اجتماعی زنده و پویاست و به کارگیری واژه سازمان برای مدرسه قابل تأمل است و ماده (۱) را به این شکل می‌توان اصلاح کرد که «مدرسه نهاد آموزشی تربیتی است».

بند «۱» و **«۲»** **ماده (۱)**: مدارس به شیوه دولتی و غیردولتی تأسیس و اداره می‌شوند. تنها مرجع صدور مجوز تأسیس مدارس غیردولتی، وزارت آموزش و پرورش است. ادارات آموزش و پرورش شهرستان‌ها/مناطق و نواحی موظفند واحدها و مراکز آموزشی و پرورشی یا عناوین مشابه را که با ثبت نام و جذب دانش‌آموزان لازم‌التعلیم و تشکیل کلاس، مانع حضور آنان در مدارس تحت پوشش وزارت مذکور می‌شوند را شناسایی کنند و وفق قانون تعطیل مؤسسات و واحدهای آموزشی و تحقیقاتی و فرهنگی که بدون اخذ مجوز قانونی دایر می‌باشند (مصوب ۱۳۷۲/۱۰/۷) به مراجع قانونی و ذیصلاح، معرفی کنند.

بررسی: براساس ماده (۲) آیین‌نامه اجرایی قانون تعطیل مؤسسات و واحدهای آموزشی و تحقیقاتی و فرهنگی که بدون اخذ مجوز قانونی دایر می‌باشند مصوب ۱۳۷۳/۳/۱۸ هیئت وزیران، وزارتخانه‌ها (از جمله

وزارت آموزش و پرورش) موظفند نسبت به شناسایی مؤسسات و واحدهای غیرمجاز اقدام کرده و دستور انحلال را صادر کنند و در صورتی که پس از صدور این دستور و با رعایت مفاد تبصره «۲» قانون، مؤسسه یا واحد مربوط غیرمجاز دایر باشد، دایرکنندگان را از طریق مراجع ذیصلاح قانونی تحت پیگرد قرار دهند و تقاضای توقف فعالیت آموزشی و تحقیقاتی و فرهنگی آنان را کنند.

این در حالی است که براساس تبصره مذکور از ماده (۱) آیین‌نامه، موضوع صدور دستور انحلال به‌عنوان وظیفه نخست وزارت آموزش و پرورش در باب موضوع مذکور کاملاً نادیده گرفته شده است و تنها به معرفی واحدهای متخلف به مراجع قانونی و ذیصلاح اکتفا شده است.

نکته دیگر آنکه انحصار مدارس به دو گونه دولتی و غیردولتی دارای ابهام است و مراد آن مشخص نیست زیرا در حال حاضر مدارس فقط به دو شکل دولتی و غیردولتی ایجاد و اداره می‌شوند و گونه سومی وجود ندارد، بنابراین اگر مراد این است، توضیحات مذکور زائد است اما در صورتی که قصد حذف تنوع مدارس موجود است که باید به‌صراحت به مصادیق آن اشاره شود. البته در این خصوص مراجعی همچون مجلس شورای اسلامی و شورای عالی انقلاب فرهنگی مرجع تصویب برخی از گونه‌های مدارس هستند که حذف آن گونه‌ها از مسیر مراجع تصویب‌شان ممکن است.

ماده (۳) - ویژگی‌های مدرسه در افق سند چشم‌انداز:

۱. تجلی بخش فرهنگ غنی اسلامی و انقلابی در روابط و مناسبات با خالق، جهان خلقت، خود و دیگران به‌ویژه «تکلیف‌گرایی، مسئولیت‌پذیری، کرامت نفس، امانتداری، خودباوری، کارآمدی، کارآفرینی، پرهیز از اسراف و وابستگی به دنیا، همدلی، احترام، اعتماد، وقت‌شناسی، نظم، جدیت، ایثارگری، قانونگرایی، نقادی و نوآوری، استکبارستیزی، دفاع از محرومان و مستضعفان و ارزش‌های انقلاب اسلامی»،
۲. نقطه اتکای دولت و ملت در رشد، تعالی و پیشرفت کشور و کانون تربیت محله،
۳. برخوردار از قدرت تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی در حوزه‌های عملیاتی در چارچوب سیاست‌های محلی، منطقه‌ای و ملی،
۴. نقش‌آفرین در انتخاب آگاهانه، عقلانی، مسئولانه و اختیاری فرایند زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی دانش‌آموزان براساس نظام معیار اسلامی،
۵. دارای ظرفیت پذیرش تفاوت‌های فردی، کشف و هدایت استعدادهای متنوع فطری و پاسخگویی به نیازها، علایق و رغبت دانش‌آموزان در راستای مصالح و چارچوب نظام معیار اسلامی،
۶. یادگیرنده، کمال‌جو، خواستار تعالی مستمر فرصت‌های تربیتی، تسهیل‌کننده هدایت، یادگیری و تدارک‌بیننده خودجوش ظرفیت‌های جدید در خدمت تعلیم و تربیت،
۷. خودارزیاب، مسئول و پاسخگو نسبت به نظارت و ارزیابی بیرونی،
۸. تأمین‌کننده نیازهای فردی و اجتماعی و محیط اخلاقی، علمی، امن، سالم، بانشاط، مهرورز و برخوردار از هویت جمعی،



۹. برخوردار از مربیان دارای فضائل اخلاقی و شایستگی‌های حرفه‌ای (توانمندی‌های علمی) با هویت یکپارچه توحیدی براساس نظام معیار اسلامی،
۱۰. مبتنی بر رویکرد مدیریتی نقدپذیر و مشارکت‌جو،
۱۱. متکی بر ارکان تعلیم و تربیت و بهره‌مند از ظرفیت عوامل سهیم و مؤثر و مبتنی بر مشارکت ذی‌نفعان با تأکید بر مربیان، دانش‌آموزان و خانواده،
۱۲. بهره‌بردار از فناوری پیشرفته آموزشی در سطح معیار؛ با توجه به طیف منابع و رسانه‌های یادگیری (شبکه ملی اطلاعات و ارتباطات)،
۱۳. دارای ظرفیت تصمیم‌سازی برای نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی،
۱۴. دارای تعامل اثربخش با مساجد و دیگر نهادها، مراکز مذهبی و کانون‌های محلی نظیر فرهنگسرا، کتابخانه‌های عمومی و برخوردار از ارتباط مستمر و مؤثر با عالمان دینی، صاحب‌نظران و متخصصان دارای پیوند مؤثر با موضوع‌ها و مسائل جامعه در مقیاس محلی، منطقه‌ای و ملی با حضور فعال در حیات اجتماعی.
- بررسی:** این ماده برگرفته از «مدرسه در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴» سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است در سند تحول ابتدا مدرسه به صورت زیر تعریف شده «بر پایه این چشم‌انداز، مدرسه جلوه‌ای است از تحقق مراتب حیات طیبه، کانون عرضه خدمات و فرصت‌های تعلیم و تربیتی، زمینه‌ساز درک و اصلاح موقعیت توسط دانش‌آموزان و تکوین و تعالی پیوسته هویت آنان براساس نظام معیار اسلامی، در چارچوب فلسفه و رهنامه نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران که دارای ویژگی‌های زیر است» در ادامه این تعریف از مدرسه ویژگی‌های آن که در آیین‌نامه اجرایی ذکر شده‌اند آمده است.
- نکته مهم در اینجا این است که سند تحول در سال ۱۳۹۰ به تصویب رسید و در خود سند مقرر شده که هر پنج سال مورد بازنگری قرار گیرد، بنابراین به نظر می‌رسد که با توجه به گذشت حدود یک دهه از تصویب سند، تعریف مدرسه در افق سند چشم‌انداز باید قدری مورد بازنگری قرار گیرد زیرا ادبیات سند برای زمانی بوده که حدود ۱۴ سال تا انتهای بازه زمانی افق بیست‌ساله زمان باقی مانده بود و همین امر بر نوع ادبیات این سند راهبردی اثرگذار بوده است، درحالی‌که هم‌اکنون و در آغاز سال ۱۳۹۹ تنها کمتر از پنج سال تا ۱۴۰۴ زمان باقی مانده است بنابراین به نظر می‌رسد با این ادبیات قدری متفاوت‌تر باشد.
- مهم‌تر آنکه، آیین‌نامه اجرایی یک سند راهبردی نیست که در آن از راهبردهای مدرسه در افق بیست‌ساله سخن گفت، بلکه اساساً باید متناسب با آن راهبردها، برنامه عملیاتی در خردترین سطح اجرایی تهیه و تدوین شود به این معنا که آیین‌نامه اجرایی باید با ادبیاتی متفاوت از اسناد راهبردی به گونه‌ای اجرایی و عملیاتی نوشته شود تا بتوان به مدد آن، راهبردهای اسناد بالادستی را تحقق بخشید. این در حالی است که در خصوص ویژگی‌های مدرسه در افق سند چشم‌انداز بیست‌ساله مذکور در آیین‌نامه اجرایی مدارس، عیناً همان عبارات سند تحول تکرار شده است.

بند «۲» و «۳» هدف عملیاتی شماره ۷ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بر مفاهیم «مدرسه کانون تربیتی محله» و «مدرسه کانون پیشرفت محله» تأکید دارد و پیوند دوسویه و اثربخش بین نهادها، واحدها و افراد محله با مدرسه را مورد توجه قرار داده است اما آیین‌نامه اجرایی مدارس ناظر به عملیاتی کردن این راهکار تحول‌آفرین مسکوت است و ناظر به راهبردها و مواد سند تحول بنیادین برنامه‌ای عملیاتی در خردترین سطح اجرایی نگاشته نشده است. در آیین‌نامه اجرایی مدارس ناظر به هدف‌های کلی محله‌محوری و کاهش فاصله بین جامعه و مدرسه و تعامل اثربخش آنها با هم، ارتباط بین یادگیری‌های مدرسه و زندگی اجتماعی، تبدیل مدرسه به کانون پیشرفت محله و افزایش مشارکت عوامل اثربخش بیرونی در امور آموزشی و پرورشی مدارس، هدف‌های عملیاتی و سنجش‌پذیر در نظر گرفته نشده است. همچنین گفتنی است فرایندها و مراحل اجرایی و نقش عوامل سهیم و مؤثر آموزش و پرورش در مدرسه محله‌محور در آیین‌نامه اجرایی دیده نشده است.

بند «۴» ماده (۳) به نقش‌آفرینی اجتماعی دانش‌آموزان به‌عنوان یکی از ویژگی‌های مدرسه اشاره شده است و ناظر به مبحث نقش اجتماعی دانش‌آموزان این نکات به‌نظر می‌رسد: دانش‌آموزان باید از مواهب تربیت تمام‌ساحتی، به‌ویژه تربیت سیاسی - اجتماعی لازم برخوردار باشند و با کسب مهارت‌ها و شایستگی‌های فردی و اجتماعی مناسب، بتوانند حضوری فعال و بانشاط و مؤثر در جامعه داشته باشند. یکی از مؤثرترین راهبردهای تحقق اهداف تربیت تمام‌ساحتی و ایجاد رفتار مناسب در متربیان، بسترسازی برای نقش‌پذیری و مشارکت فعال آنان در فرایند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی درون مدرسه و تمرین اجتماعی شدن آنان است. در آیین‌نامه اجرایی به راهکارهای عملیاتی ناظر به چنین هدفی اشاره نشده است. همچنین برنامه شماره ۲۳ ذیل راهکار ۳-۸ و زیر نظام مدیریت و راهبری به این نکته اشاره می‌کند: ایجاد سازوکار مناسب برای استفاده از فضای مدرسه در ساعات غیررسمی آموزش توسط تشکل‌های دانش‌آموزی، کانون‌های علمی و فرهنگی انجمن‌های اسلامی و مجلس دانش‌آموزی آموزشی برای ارائه خدمات آموزشی، فرهنگی و اجتماعی به سایر دانش‌آموزان و مردم محله. درحالی‌که آیین‌نامه راهکاری برای تحقق چنین هدفی ارائه نکرده است.

در بند «۵» همین ماده به کشف و هدایت استعدادها متنوع فطری به‌مثابه یکی از ویژگی‌های مدرسه اشاره می‌شود، اما هیچ راهکار عملیاتی در این راستا بیان نمی‌شود.

۱۵. در بند «۱۲» ماده (۳) به بهره‌بردار از فناوری پیشرفته آموزشی در سطح معیار؛ با توجه به طیف منابع و رسانه‌های یادگیری (شبکه ملی اطلاعات و ارتباطات) اشاره می‌کند، در آیین‌نامه اجرایی مدارس به راهکار عملیاتی پس از دوران کرونا که آموزش به‌صورت تلفیقی باید باشد و بستر یادگیری مجازی به چه شکل باید باشد، اشاره نشده است و همچنین مشهود است که تحولات بسیار مهم و راهبردی‌ای که با شیوع جهانی بیماری کووید ۱۹ (کرونا) در عرصه اداره مدارس ایجاد شده است و بخش مهمی از



ساختارها و فرایندهای اداره مدارس در جهان را تحت تأثیر قرار داده است، در اینجا مورد توجه قرار نگرفته است.

ماده (۴)، بند شایستگی و تخصص محوری: مربی به منزله نیروی فرهنگی و فکری جامعه، مولد سرمایه اجتماعی و مهم‌ترین عنصر تعلیم و تربیت، باید از شایستگی‌های عمومی، تخصصی و حرفه‌ای برخوردار باشد. مدرسه باید با برگزاری دوره‌های آموزشی توانمندسازی، زمینه تقویت و کسب شایستگی‌های لازم را به‌ویژه برای معلمان و مربیان در حوزه دانش، بینش، نگرش و توسعه مهارت‌های حرفه‌ای فراهم آورد.

بررسی: الزام برای برخورداری مربی از شایستگی‌های عمومی، حرفه‌ای و تخصصی با توجه به تعریفی که از مربی ارائه شده است که مربی را شامل: پدران، مادران، آموزگاران، دبیران، مربیان پرورشی و ... لحاظ کرده قابلیت اجرایی ندارد. همچنین الزام مدارس برای برگزاری دوره‌های آموزشی برای مربیان با توجه به گستردگی تعریفی که برای مربی آمده برای مدارس ناممکن و خارج از اختیارات قانونی آنهاست. بنابراین پیشنهاد می‌شود تعریفی خاص و نه عام از مربی ارائه شود و قید شود که منظور از مربی در اینجا مفهوم خاص آن یعنی کارکنان مدرسه است تا بتوان با توجه به اختیارات قانونی مدرسه در مورد آنها برنامه‌هایی را اجرا کرد. روش کسب شایستگی‌های لازم برای معلمان و مربیان در شیوه‌نامه اجرایی مشخص نیست. با توجه به سرانه پایین مدارس و کمبود منابع مالی مدارس، بودجه و منابع این کار به چه شکل تأمین می‌شود؟ همچنین آموزش متمرکز مربیان و کارکنان توسط نواحی و مناطق به صرفه‌جویی در هزینه‌ها منجر می‌شود و از هزینه‌بر بودن برگزاری دوره‌های آموزشی توانمندسازی در مدارس جلوگیری می‌کند.

ماده (۴)، بند شفافیت، پاسخگویی و نظارت: اهداف، کارکرد و وظایف مدرسه باید برای جامعه هدف (ذی‌نفع، ذی‌صلاح و ذی‌ربط) شفاف و روشن باشد. مدرسه در برابر استانداردهای آموزشی تربیتی، در قبال آموزش و پرورش، خانواده و ذی‌نفعان پاسخگوست و باید مسئولیت اقدامات آموزشی تربیتی خود را متناسب با اختیارات و امکانات محوله بپذیرد و پاسخگو باشد. در اجرای برنامه‌ها و فعالیت‌های مدرسه علاوه بر نظارت درونی، نظارت بیرونی نیز از طریق مراجع ذی‌ربط انجام می‌شود.

بررسی: در متن بند فوق از عبارات و اصطلاحاتی استفاده شده است که هیچ‌کجای آیین‌نامه تعریف یا توضیحی از آنها ارائه نشده است برای نمونه؛ منظور از (ذی‌نفع، ذی‌صلاح و ذی‌ربط) چیست؟ این دسته‌بندی سه‌گانه کدامند؟ اهداف، کارکرد و وظایف مدرسه کدامند؟ منظور از نظارت درونی چیست؟ (سازوکار نظارت درونی چیست؟) مراجع ذی‌ربط در نظارت بیرونی کدامند؟ همچنین در این بند به شکل شفاف مشخص نشده است که اگر خانواده‌ای یا ذی‌نفعانی شکوائیه‌ای داشته باشد، فرایند رسیدگی به چه شکل است و مرجع رسیدگی چیست؟

ماده (۴)، بند عدالت آموزشی تربیتی: مدرسه برای ارتقای کیفیت فرایندهای آموزشی تربیتی، باید به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان توجه داشته و با تدارک فرصت‌ها و موقعیت‌های تربیتی متناسب با نیازهای آنان (جنس و جنسیتی، بومی و محلی، قومی، مذهبی، فرهنگی و خانوادگی) و غنی‌سازی محیط یادگیری و تنوع‌بخشی به آن (نظیر نمازخانه، کتابخانه، آزمایشگاه، کارگاه، فناوری اطلاعات و ارتباطات و ...) از ظرفیت و قابلیت‌های محیط بیرونی (اجتماعی - طبیعی، اقتصادی، فرهنگی) نیز استفاده کند.

بررسی: یکی از مسائل آموزش و پرورش کشور، موضوع کودکان و نوجوانان بازمانده یا تارک تحصیل و به عبارتی پایین بودن نرخ پوشش تحصیلی در برخی از مناطق و عدم دسترسی به فرصت‌های مناسب و باکیفیت آموزشی است. در این آیین‌نامه و ذیل بند عدالت آموزشی به این دانش‌آموزان و جهت‌گیری مدرسه در این باره اشاره نشده است. مقام معظم رهبری به این نکته اشاره کردند که در محیط آموزش و پرورش باید کاری شود که حتی یک استعداد، از میان میلیون‌ها نوجوان و جوان ایرانی هدر نرود. با توجه به تأکید معظم‌له و اسناد فرادستی از جمله سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و هدف عملیاتی پنج سند تحول (تأمین و بسط عدالت در برخورداری از فرصت‌های تعلیم و تربیت با کیفیت مناسب با توجه به تفاوت‌ها و ویژگی‌های دختران و پسران و مناطق مختلف کشور) نیاز به ارائه راهکار عملیاتی در آیین‌نامه اجرایی دارد.

در شرایط کرونا این بند اهمیت خاصی می‌یابد و ناکارآمدی مدارس ما را در تحقق عدالت آموزشی، به خوبی نشان می‌دهد. در شرایط کرونا مدرسه باید فرصت یادگیری بسیار خوبی را برای دانش‌آموزان به‌ویژه برای آنهایی فراهم کند که دسترسی خوبی به مدرسه و معلم شایسته و بایسته و دارای صلاحیت حرفه‌ای بالا نداشتند. در آیین‌نامه اجرایی تغییر و تحولات این‌گونه در مدارس و نوع اداره کردن مدارس در شرایط متفاوت از شرایط عادی دیده نشده است و به آموزش مجازی در راستای ارتقای عدالت آموزشی در تمام مدارس کشور، اعتنایی نشده است. آموزش مجازی نه فقط برای دانش‌آموزان محروم بلکه برای همه دانش‌آموزان می‌تواند در آینده و در شرایط عادی در مدارس استمرار پیدا کند. بنابراین آموزش مجازی می‌تواند یک اتفاق مثبت و بالقوه باشد و در کنار آموزش سنتی به‌صورت ترکیبی استفاده شود. بنابراین حتی در مدارس عادی و در شهرهای بزرگ و مناطق برخوردار هم می‌توانیم این نوع آموزش‌ها را ادامه دهیم و این روال قطع نشود و در آیین‌نامه اجرایی مدارس جایابی مناسبی نسبت به تحولات جدید در دوران پسا کرونا داشته باشیم.

وظیفه آموزش و پرورش در چنین شرایطی، علاوه بر عدالت آموزشی باید نگران نسبت به کیفیت آموزش هم باشد و آن را دغدغه جدی بداند؛ به دلیل اینکه شرایط کرونا به‌صورت ناگهانی و غافلگیرکننده ایجاد شد، آموزش در دنیا با یک شوک مواجه شده است. کادر آموزشی و معلمان هیچکدام آمادگی حضور در صحنه‌های مجازی و استفاده از پلتفرم‌های مختلف برای آموزش را نداشتند و هنوز هم این



مسائل وجود دارد. البته هرچه بیشتر زمان در اختیار آموزش و پرورش باشد، توجه و آگاهی مسئولان و سیاستگذاران و مدیران آموزش و پرورش نسبت به اینکه چه اقدام‌هایی انجام دهند بیشتر می‌شود. معلمان باید برای تأمین آموزش باکیفیت در فضای مجازی آموزش‌های لازم را ببینند و پشتیبانی‌های لازم از آنها به عمل بیاید. مزیت این نوع آموزش این است که نیازی نیست همه معلمان محتوا تولید کنند؛ آنها باید بتوانند بخش آنلاین را به خوبی مدیریت کرده و برای آن آموزش ببینند. بخش زیادی از آموزش مجازی می‌تواند به صورت آفلاین برگزار شود. تولید محتوا هم می‌تواند از سوی معلمان برجسته در حوزه‌ها و دروس مختلف تولید شود و از طریق بسترهای مجازی در اختیار همه قرار گیرد. آیین‌نامه اجرایی مدارس در راستای ارتقای عدالت آموزشی باکیفیت باید نسبت به چنین تغییر و تحولاتی در مدرسه پسا کرونا مسکوت نباشد.

ماده (۵) - چرخش‌های تحولی در مدرسه: چرخش‌ها، تغییرات هماهنگ و منظمی هستند که باید تمامی مؤلفه‌ها و عناصر و فرایندها و روابط درون و بیرون مدرسه را دربرگیرند تا مدرسه از وضع موجود به وضع مطلوب برسد. چرخش‌های مدرسه عبارتند از:

۱. از کارکرد آموزشی به فرهنگی - اجتماعی و مولد سرمایه اجتماعی،
 ۲. از نظارت و کنترل بیرونی و محدودیت‌کننده، به خویش‌نمایی (تقوا)، ارزش‌مداری، عقلانیت و مسئولیت‌پذیری،
 ۳. از مدیریت انحصارنگر در تربیت دانش‌آموزان، به جلب مشارکت عوامل سهیم و مؤثر و مسئولیت‌پذیری آنها،
 ۴. از یکسان‌نگری در تربیت دانش‌آموزان، به تنوع و تکثر در تربیت آنها،
 ۵. از نگاه تجزیه‌ای و تفکیکی به هویت انسان، به نگاه یکپارچه‌نگر و تلفیقی،
 ۶. از دانش‌آموز منفعل در کلاس درس، به دانش‌آموز فعال و پرسشگر در محیط تربیتی،
 ۷. از روش‌های خشک و فردی یاددهی یادگیری، به روش‌های متنوع، باشاط، منعطف، خلاق و گروهی،
 ۸. از رقابت‌های فردی و تنش‌زا دانش‌آموزی، به رفاقت‌های جمعی و تعالی‌بخش،
 ۹. از انباشت اطلاعات و حافظه‌محوری در دانش‌آموزان، به کسب شایستگی‌ها در تمام ساحت‌های تربیت،
 ۱۰. از سازش با شرایط محیطی، به هویت‌یابی و مقاومت در برابر شرایط نامساعد و تغییرات آنها.
- بررسی:** در قسمت چرخش تحولی در مدرسه به نظر می‌رسد موارد ذیل امکان اضافه شدن را دارد،
- بند «۱۱» - از روش‌های آموزشی سنتی به روش‌های آموزشی مدرن و همراه با فناوری.
- بند «۱۲» - از نگاه سنتی به معلم به عنوان مدرس، به نگاه مربی و نیروی انسانی اثرگذار.

ماده (۸) - وظایف و اختیارات:

بررسی: درخصوص شرح وظایف و اختیارات مدیر مدرسه چند نکته اساسی وجود دارد که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- برخی از وظایف و اختیارات تعیین شده با شرایط و جایگاه واقعی مدیر مدرسه تناسبی ندارد و درحقیقت امکان وقوع خارجی ندارند، مثال؛ بند «۱» قسمت برنامه‌ریزی - تعیین چشم‌انداز و تدوین برنامه‌های مدرسه با توجه به ساحت‌های شش‌گانه، بند «۱» قسمت سازمان‌دهی - انتخاب، سازمان‌دهی و توانمندسازی نیروی انسانی مورد نیاز مدرسه، بند «۵» قسمت سازمان‌دهی - تدوین شرح وظایف و مأموریت‌های کارکنان مدارس.

توضیح آنکه چشم‌انداز برنامه مدرسه با توجه به ساحت‌های شش‌گانه مدرسه باید در مراجع بالاتر از مدرسه تدوین و برای اجرا به مدرسه ابلاغ شود، رویه معمول آن است که انتخاب و سازمان‌دهی نیروی انسانی مورد نیاز مدارس توسط ادارات آموزش و پرورش مناطق و نواحی انجام می‌پذیرد و نکته آخر؛ وظایف و مأموریت‌های کارکنان مدرسه به‌ویژه دبیران و آموزگاران براساس قوانین و اسناد بالادستی و مقرراتی چون طرح طبقه‌بندی مشاغل معلمان مشخص شده است و طبیعی است که مدیران مدارس با سلیق و نگرش‌های مختلف نمی‌توانند به تدوین شرح وظایف کارکنان اقدام کنند.

- برخی از افعال مرتبط با وظایف و اختیارات مدیر مدرسه از نوع کلی بوده که امکان نظارت بر عملکرد مدیر در آن حوزه را سخت و پیچیده خواهد کرد و نمی‌توان سنجه‌ای برای ارزیابی آنها تعیین کرد، مثال؛ جلب مشارکت عوامل سهیم و مؤثر، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری، کمک به شناسایی استعداد، علائق و نیازهای دانش‌آموزان، برنامه‌ریزی برای شناسایی ظرفیت‌های بالقوه خانواده، راهبری و ایجاد زمینه مناسب، شفاف‌سازی نسبت به عملکرد مدرسه، برنامه‌ریزی برای ترویج و توسعه، ارتقای سطح بهداشت و کمک به سلامت جسمی.

قسمت اجرا و پشتیبانی ماده (۸)

بند «۹» - عرضه تولیدات و ارائه خدمات حاصل از فعالیت‌های آموزشی و پرورشی (عملی - کارگاهی و فرهنگی هنری) دانش‌آموزان مطابق مقررات مربوط،

بند «۱۰» - برنامه‌ریزی و اتخاذ تصمیم برای استفاده از فضای مدرسه در خارج از ساعات رسمی مدرسه برای ارائه خدمات به دانش‌آموزان و جامعه محلی با استفاده از ظرفیت دانش‌آموزان و اولیای آنها،

بند «۱۱» - واگذاری بخشی از خدمات آموزشی، اجرایی، پشتیبانی و اداری مالی و فناوری به بخش غیردولتی یا سایر دستگاه‌ها با رعایت مقررات مربوط.

بررسی: در دو بند «۹» و «۱۰» قسمت اجرا و پشتیبانی ماده (۸) از وظایف مدیر مدرسه به دو مورد از فعالیت‌های مدرسه اشاره شده که می‌تواند بخشی از منابع مالی مورد نیاز مدرسه را تأمین کند. در بند



اول عرضه تولیدات و ارائه خدمات آموزشی و پرورشی دانش‌آموزان و در بند دوم نیز استفاده از فضای مدرسه در ساعات غیررسمی مورد توجه قرار گرفته است. همواره استفاده از فضای مدارس در ساعات غیررسمی یکی از موارد مهم تأمین منابع مالی مورد نیاز مدارس بوده که به سبب نامعین بودن ضوابط مربوطه و گاهاً ممنوعیت‌های موجود، از طرف مدارس چندان مورد استقبال قرار نگرفته است، بنابراین طرح این موضوع و نیز عرضه تولیدات و خدمات دانش‌آموزان در آیین‌نامه اجرایی مدارس گامی روبه‌جلو به‌شمار می‌رود.

اما در این باره چند نکته وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد، اینکه سازوکار اجرایی، اداری و مالی مورد نیاز برای اجرای این دو بند مشخص نشده است، برای مثال فضای خالی مدرسه را به چه کسانی تحت چه نوع قراردادی واگذار کند؟ آیا دانش‌آموزان یا اولیای آنها توانایی اداره و مدیریت فضای مدرسه در ساعات غیررسمی را دارند؟ ملاک و نحوه انتخاب دانش‌آموز یا اولیا چیست؟ منابع مالی حاصله از عرضه تولیدات و ارائه خدمات آموزشی، فرهنگی و پرورشی دانش‌آموزان یا استفاده از فضای خالی مدارس چگونه و در چه مواردی هزینه خواهد شد؟

همه اینها در حالی است که در ماده (۱۲۷) آیین‌نامه در خصوص منابع مالی مدرسه، وجوه حاصل از ارائه خدمات آموزشی و پرورشی فوق برنامه به‌عنوان یکی از منابع مالی مدارس به‌شمار رفته است، اما نه در ماده (۱۲۷) و نه در ماده (۸) و نه در هیچ جای دیگر سازوکار مالی و اداری و اجرایی ارائه و عرضه این نوع از خدمات ارائه نشده است و این یکی از عیب‌های مهم آیین‌نامه به‌شمار می‌رود.

دیگر آنکه در خصوص اجاره، واگذاری و مواردی از این دست مرتبط با فضاهای دولتی قوانین و مقررات و ضوابطی و نیز محدودیت‌هایی وجود دارد که در متن آیین‌نامه جهت روشن‌گری حداقل باید به عناوین آنها اشاره شود تا اولیای مدرسه در این باره دچار سردرگمی و ابهام نشوند و راه سوءاستفاده نیز مسدود شود.

سوم آنکه در بند «۱۱» عملاً به واگذاری بخشی از فعالیت‌های مدرسه اعم از آموزشی، اجرایی، پشتیبانی، مالی و فناوری ورود کرده است. در این باره باید گفت که ضوابط واگذاری و برون‌سپاری خدمات براساس قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی همچون ماده (۱۳) قانون مدیریت خدمات کشوری، ماده (۲۵) و (۲۸) قانون برنامه ششم توسعه تعیین شده است که در این باره باید به‌صراحت به مواد قانونی مرتبط اشاره کرد. نکته مهم‌تر اینکه براساس ماده (۲۵) و (۲۸) قانون برنامه ششم توسعه، مدارس دولتی از مفاد هر دو ماده در خصوص واگذاری ممنوع شده است. بنابراین مفاد بند «۱۱» قسمت اجرا و پشتیبانی ماده (۸) آیین‌نامه اجرایی مدارس مغایر با قانون برنامه ششم توسعه است.

مواد (۸، ۹ و ۱۰)

بررسی: در مواد فوق از اقدام‌هایی نام برده شده همچون ارزیابی برنامه سال گذشته مدرسه، ارائه گزارش عملکرد سالیانه مدرسه، بررسی و ارزیابی مستمر عملکرد معلمان و کارکنان مدارس، جمع‌آوری آمار، اطلاعات و مستندسازی سوابق و تجارب موفق مدرسه و تهیه فهرست اموال، اسناد، مدارک تحصیلی و ... مدرسه و تحویل آنها به هنگام تغییر سمت و ارائه گزارشی از فعالیت‌های مدون گذشته به مدیر آینده. اما هیچ‌کدام از این وظایف ذیل عنوان وظایف و اختیارات مدیر مدرسه مذکور در ماده (۸) نیامده است و همین امر می‌تواند سبب سردرگمی و تشتت در تصمیم‌گیری شود.

ماده (۹) - مدیر مدرسه موظف است در تابستان هر سال با همکاری عوامل سهیم و مؤثر، ضمن ارزیابی اجرای برنامه سال گذشته، برنامه سال تحصیلی آینده را تهیه و پس از تصویب شورای مدرسه اجرا کند و در پایان سال تحصیلی نیز گزارش عملکرد سالانه مدرسه (آموزشی تربیتی، فوق برنامه، مالی و ...) را تدوین و به تأیید شورای مدرسه برساند.

تبصره - برنامه‌های مصوب شورای مدرسه (برنامه سال آینده و گزارش عملکرد اجرای برنامه) باید به‌نحو مقتضی به اطلاع اداره آموزش و پرورش محل و اولیای دانش‌آموزان برسد.

بررسی: در دنیای کنونی، استفاده از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطی یک اصل اساسی در همه سازمان‌ها و در زندگی روزمره است. در ماده (۹) نیز یک کلی‌گویی دیگر رخ داده است، یعنی به‌جای اینکه معین شود، مدیر مدرسه باید با تکمیل و به‌روزرسانی اطلاعات در سامانه‌های ثبت آمار و اطلاعات دانش‌آموزی، سامانه نمونه سئوال‌های امتحانی، محتوا آموزشی و ... بپردازد و امکان بهره‌مندی و نظارت بر آن را برای اولیا، دانش‌آموزان و کارکنان فراهم آورد، به‌صورت کلی یک تکلیف مبهم برعهده مدیر گذاشته شده است. برای پیشرفت و توسعه هم از تجربیات موفق باید درس گرفته و هم از تجربیات ناموفق، بنابراین همه تجارب مدرسه اعم از موفق و ناموفق از طریق سامانه‌های مرتبط باید ثبت، ضبط و اطلاعات آن برای بهره‌مندی افراد مرتبط به اشتراک گذاشته شوند. به بیان دیگر، در این ماده باید به جزئیات بیشتر نوع اطلاعات و داده‌های مورد نیاز (سرانه فضای آموزشی، سرانه فضای ورزشی، تراکم کلاسی، درصد قبولی، سرانه دانش‌آموزی، میانگین تحصیلات معلمان، صلاحیت حرفه‌ای معلمان و ... به تفکیک هر سال)، شاخص گردآوری اطلاعات و سوابق، محدودیت‌های طبقه‌بندی اطلاعات و سامانه نمایه‌سازی این داده‌ها به‌صورت صریح مشخص شود.

ماده (۱۲) - در راستای سیاست مدرسه‌محوری و به‌منظور در راستای سیاست مدرسه‌محوری و به‌منظور زمینه‌های مشارکت‌جویی و مشارکت‌پذیری، عوامل سهیم و مؤثر و جامعه محلی در فرایند تعلیم و تربیت دانش‌آموزان و بهبود فرایند برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و اجرای برنامه‌ها و فعالیت‌های مدرسه و نظارت بر آنها، شورای مدرسه با ترکیب اعضا و وظایف زیر تشکیل می‌شود.



ترکیب اعضا:

۱. مدیر مدرسه (رئیس شورا)

۲. معاونان مدرسه

۳. نماینده شورای معلمان

۴. رئیس انجمن اولیا و مربیان

۵. نماینده شورای دانش‌آموزی در مدارس دوره دوم متوسطه

تبصره- مدیر مدرسه می‌تواند از نماینده شورای دانش‌آموزی (در مدارس ابتدایی و دوره اول متوسطه) مسئولان و معتمدین محله افراد ذی‌ربط و صاحب‌نظر حسب موضوع برای شرکت در جلسات شورا با داشتن حق رأی دعوت کند.

بررسی: در ابتدای این ماده، هدف و منظور از تشکیل شورای مدرسه؛ «فراهم آوردن زمینه مشارکت‌جویی و مشارکت‌پذیری»، «برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری عوامل سهیم و مؤثر و جامعه محلی در فرایند تعلیم و تربیت دانش‌آموزان»، «بهبود فرایند تصمیم‌گیری و اجرای برنامه‌ها و فعالیت‌های مدرسه» و «نظارت بر آنها» تعیین شده است، ازسویی ترکیب اعضای این شورا در مدارس که دارای سه یا چهار معاون هستند، در ترکیب اعضای شورا چهار یا پنج نفر از کادر مدیریت مدرسه هستند و فقط دو نماینده از طرف معلمان و اولیا به صورت رسمی و الزام‌آور عضو شورای مدرسه هستند. بدیهی است چنین ترکیب اعضایی که غالب آن عوامل اداری و افراد مورد تأیید مدیر هستند قادر نخواهد بود اهداف تعیین شده برای این شورا را محقق سازند.

به نظر می‌رسد استفاده از هیئت امنا با ترکیب اعضایی از تعداد بیشتری از نمایندگان اولیا (دارای تحصیلات و سوابق مرتبط با تعلیم و تربیت) تعدادی از مقام‌های آموزشی و فرهنگی محلی، معتمدین محلی به انتخاب شورای آموزش و پرورش شهرستان گزینه بسیار بهتری برای جایگزینی شورای مدرسه است.

مؤید این مسئله، تبصره همین ماده است که «مدیر مدرسه می‌تواند از نماینده شورای دانش‌آموزی، مسئولان و معتمدین محله افراد ذی‌ربط و صاحب‌نظر حسب موضوع برای شرکت در جلسات شورا با داشتن حق رأی دعوت کند» منتها مسئله‌ای که وجود دارد این است که اختیار این موضوع با مدیر است و عموماً در مدارس که مشکلاتی در زمینه‌های مختلف وجود دارد، مدیر بنا بر اختیاری که دارد این افراد را در جلسه دعوت نمی‌کند.

همچنین ناکارایی شوراهای مدرسه و فقدان برنامه عمل در راستای کیفیت‌بخشی این شوراها در آیین‌نامه اجرایی مشهود است و همچنین برنامه شماره ۴۱ ذیل راهکار ۲-۱۳ و برنامه شماره ۴۳ ذیل راهکار ۳-۸ زیرنظام مدیریت و راهبری به بیان نکات زیر می‌پردازد و مشاهده می‌شود که آیین‌نامه اجرایی توجهی به آنچه زیرنظام مدیریت و راهبری از نظام آموزشی می‌خواهد ندارد و در فضایی فارغ از زیرنظام‌ها

تدوین شده است. برنامه شماره ۴۱ ذیل راهکار ۲-۱۳: افزایش کارآمدی شوراهای درون مدرسه، شورای معلمان و شورای دانش‌آموزی، توانمندسازی و آموزش اعضای شورای معلمان و اعضا و

ماده (۱۶) - انجمن اولیا و مربیان: به منظور تقویت همکاری، مشارکت و افزایش نقش خانواده‌ها در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی برای تحقق اهداف و ارتقای کیفیت فعالیت‌های آموزشی تربیتی مدرسه در ساحت‌های شش‌گانه تربیت و گسترش ارتباط بین خانه و مدرسه، انجمن اولیا و مربیان تشکیل می‌شود.

بررسی: در کنار اهدافی که در ماده (۱۶) در خصوص تشکیل انجمن اولیا و مربیان ذکر شده است، یکی از اهدافی که مورد غفلت واقع شده است هدف «نظارت و رصد عملکرد مالی، اداری و اجرایی مدرسه» است این هدف نه تنها در متن ماده (۱۶) مورد توجه قرار نگرفته است بلکه در شرح وظایف و اختیارات انجمن اولیا و مربیان نیز همسو با این هدف، وظیفه‌ای تعیین نشده است در حالی که انجمن اولیا و مربیان به‌عنوان نمایندگان و منتخبان اولیای دانش‌آموزان با این وظیفه می‌توانند شفافیت و روشنگری در عملکرد مالی، اداری و اجرایی مدارس را تحقق بخشند و امکان نظارت همگانی و نقش‌آفرینی جامعه محلی در مدیریت مدرسه را فراهم کنند.

مؤید این نکته آن است که در آیین‌نامه اجرایی مصوب ۱۳۷۹، نظارت بر چگونگی اخذ کمک‌های مردمی، تشکیل شورای مالی مدرسه و نظارت بر نحوه هزینه وجوه حاصل از کمک‌های مردمی، خدمات فوق برنامه، سرانه دانش‌آموزان و کمک‌های شوراهای آموزش و پرورش از طریق شورای مالی مدرسه و مطابقت موارد هزینه با برنامه‌های مصوب شورای مدرسه از جمله وظایف انجمن اولیا و مربیان به‌شمار می‌رفت.

بررسی وظایف و اختیارات انجمن اولیا و مربیان در پیش‌نویس آیین‌نامه انجمن اولیا و مربیان نشان می‌دهد که این انجمن بیشتر به‌عنوان ابزاری در اختیار مدرسه به‌کار گرفته می‌شود و کمترین میزان اختیارات به آن واگذار شده است. برای نمونه می‌توان به برخی از وظایف آن اشاره کرد:

- شناسایی و تأمین منابع مورد نیاز مدرسه،
- تبیین جایگاه و نقش اولیای دانش‌آموز در بهبود جو سازمانی مدرسه،
- جلب مشارکت اولیای دانش‌آموزان و صاحبان حرف، افراد خیر و مؤسسات خیریه در تأمین امکانات مورد نیاز مدرسه،
- همکاری در تدوین و اجرای برنامه‌ها و فعالیت‌های مدرسه،
- برنامه‌ریزی برای برقراری ارتباط با دستگاه‌های برون‌سازمانی،
- تصمیم‌گیری و مشارکت در قدردانی از کارکنان، دانش‌آموزان و اولیای آنان،
- همکاری در ارتقای وضعیت تجهیزات ورزشی، بهداشتی و ...،
- حفظ و تکریم جایگاه معلمان با بهره‌گیری از تمام ظرفیت‌های والدین،



- انجام اموری که براساس بخشنامه‌های انجمن مرکزی اولیا و مربیان به انجمن مدرسه محول می‌شود. همان‌گونه که ملاحظه شد با اینکه شناسایی و تأمین منابع مالی مدرسه بخشی از وظایف انجمن اولیا و مربیان مدرسه است اما هیچ‌گونه نقشی برای نظارت این انجمن بر نحوه هزینه‌کرد آن منابع مالی در نظر گرفته نشده است. بنابراین پیشنهاد می‌شود ضمن گنجاندن نظارت بر عملکرد مالی و اداری مدرسه به‌عنوان یکی از اهداف تشکیل انجمن اولیا و مربیان، در ذیل وظایف و اختیارات این انجمن نیز مواردی همچون نظارت بر چگونگی اخذ کمک‌های مردمی، تشکیل شورای مالی مدرسه و نظارت بر نحوه هزینه‌وجوه حاصل از کمک‌های مردمی، خدمات فوق برنامه، سرانه دانش‌آموزان و کمک‌های شوراهای آموزش و پرورش از طریق شورای مالی مدرسه و مطابقت موارد هزینه با برنامه‌های مصوب شورای مدرسه قرار گیرد.

ماده (۱۹) - شورای دانش‌آموزی: به‌منظور مشارکت و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان در امور مدرسه و زمینه‌سازی رشد مهارت‌های فردی، اجتماعی و تقویت اعتمادبه‌نفس، خودباوری، قانونمندی و کسب شایستگی‌های لازم در آنان برای مواجهه مسئولانه و خردمندانه با شرایط مدرسه، «شورای دانش‌آموزی» تشکیل می‌شود.

بررسی: برنامه شماره ۴۳ ذیل راهکار ۳-۸ زیرنظام مدیریت و راهبری: اصلاح قوانین و مقررات برای افزایش اختیارات و مسئولیت‌های دانش‌آموزان و تشکل‌های دانش‌آموزی در مدرسه تا پایان برنامه ششم توسعه. با ملاحظه آیین‌نامه اجرایی و مفاد آن به چنین نتیجه‌ای می‌رسیم که آیین‌نامه به این برنامه توجه چندانی ندارد با اینکه یکی از مراجع تثبیت آنچه در زیرنظام مدیریت و راهبری آمده است، آیین‌نامه اجرایی مدارس است و اصلاح این آیین‌نامه ناظر به افزایش اختیارات دانش‌آموزان در نظر گرفته نشده است و به کلیاتی در خصوص آیین‌نامه اجرایی پرداخته است. نیاز به توضیح بیشتر دارد.

ماده (۲۹) - حداقل سن ثبت‌نام در پایه اول دبستان ۶ سال تمام است.

تبصره «۱» - متولدین مهرماه می‌توانند با اخذ مجوز از کمیسیون خاص آموزش و پرورش منطقه، در پایه اول ابتدایی ثبت‌نام کنند.

ماده (۳۶) - ملاک محاسبه سن دانش‌آموز برای ثبت‌نام، روز اول بازگشایی مدارس خواهد بود.

بررسی: ماده (۲۹) و (۳۶) به شرایط سنی کودک برای ثبت‌نام در مدارس پرداخته است. در بررسی این دو ماده به چند نکته می‌توان اشاره کرد: نخست آنکه ملاک محاسبه سن در هر دو ماده با ادبیاتی متفاوت نگاشته شده است، در ماده (۲۹) ملاک، اولین روز شروع سال تحصیلی و در ماده (۳۶) ملاک روز اول بازگشایی مدارس است. در این باره باید گفت که با وجود ماده (۲۹) نیازی به ماده (۳۶) نیست و از سوی دیگر، ادبیات هر دو ماده نیز باید یکسان باشد.

نکته دیگر آنکه براساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، سن افراد لازم‌التعلیم (لازم‌التربیه) طبق قانون مشخص می‌شود و براساس دو قانون ذیل، سن افراد به‌هنگام ثبت‌نام ۶ سال تمام و آغاز هفت سالگی است:

قانون اساسی معارف، نهم عقرب ۱۲۹۰، ماده (۵) - هرکس مکلف است اطفال خود را از سن هفت به تحصیل معلومات ابتدائیه وادارد اعم از اینکه در خانه باشد یا در مدرسه.

قانون راجع به آموزش و پرورش عمومی اجباری و مجانی مصوب ششم مرداد ماه ۱۳۲۲، ماده پنجم در نقاطی که طبق ماده چهارم اجباری بودن تعلیمات اعلام شده است اهالی مکلفند اطفال خود را که سنشان ۶ سال تمام باشد در شهریورماه در دبستان‌ها نام‌نویسی کنند هرگاه طفلی به‌واسطه بیماری نتواند در موقع مقرر مشغول تحصیل شود ولی او موظف است او را بلافاصله پس از رفع نقاهت به دبستان معرفی نماید.

اما براساس تبصره «۱» ماده (۲۹) کودکان متولدین مهرماه می‌توانند با اخذ مجوز از کمیسیون خاص آموزش و پرورش منطقه، در پایه اول ابتدایی ثبت‌نام کنند و همین جابه‌جایی ملاک محاسبه سن و گسترش آن به نیمه دوم سال، با قوانین فوق مغایرت دارد.

ماده (۳۷) - در هریک از دوره‌های تحصیلی، دو سال به حداکثر سن دانش‌آموزان مشمول آموزش فراگیر که در مدارس فراگیر به تحصیل اشتغال دارند، اضافه می‌شود.

بررسی: در متن ماده (۳۷) به دو اصطلاح آموزش فراگیر و مدارس پذیرا اشاره شده است که نیازمند تعریف بوده اما در هیچ جایی از متن تعریف این دو اصطلاح ارائه نشده است.

ماده (۳۸) - شرایط سنی ثبت‌نام و ادامه تحصیل دانش‌آموزان با نیازهای ویژه در تمام دوره‌های تحصیلی در مدارس استثنایی، تابع مقررات مربوط خواهد بود.

بررسی: در ماده (۳۸) درخصوص شرایط سنی ثبت‌نام دانش‌آموزان با نیازهای ویژه، تنها به این حدس‌بسته شده که این شرایط تابع مقررات مربوطه خواهد بود. همان‌طور که پیش‌تر نیز گفته شده این رویه، استقلال و بسندگی آیین‌نامه اجرایی را زیر سؤال خواهد برد و سبب سردرگمی مدیران و تشتت در اجرا خواهد شد. نکته دیگر آنکه به هیچ‌کدام از عناوین مقررات مربوطه اشاره نشده است. البته گفتنی است در سراسر متن آیین‌نامه به‌وفور از این دست مواد یافت می‌شود که به سایر مقررات و ضوابط نامشخص ارجاع داده شده است.

در این فصل طی مواد (۲۹-۵۲) به شرایط سنی و مدارک مورد نیاز ثبت‌نام در دوره‌های مختلف تحصیلی و نیز ادامه تحصیل دانش‌آموزان پرداخته شده است. در ادامه به برخی مواد مغفول مانده در این فصل اشاره می‌شود.



بررسی:

- از سال ۱۳۹۰ و بعد از تصویب سند تحول بنیادین، نظام آموزشی ۳-۳-۶ به اجرا درآمد و پایه‌ها و دوره‌های تحصیلی نیز به تبعیت از آن، تغییر یافت. به صورت طبیعی دانش‌آموزانی وجود دارند که قبل از این تاریخ ترک تحصیل کرده و بازمانده از تحصیل به‌شمار می‌روند. از آنجایی که طول دوره ابتدایی قبل از اجرای ساختار جدید پنج سال بوده و هم‌اکنون ۶ سال است بنابراین شرایط ادامه تحصیل این دسته از بازماندگان از تحصیل قدری متفاوت خواهد بود که به تعیین ضوابط و مقررات مربوطه نیاز خواهد داشت. برای مثال دارندگان مدرک تحصیلی پنجم ابتدایی قبل از ساختار جدید آموزشی، چگونه ادامه تحصیل خواهند داد و در چه پایه‌ای باید ثبت‌نام کنند؟

- گروه دیگری از دارندگان مدارک تحصیلی بیرون از نظام آموزش روزانه، سوادآموزان نهضت سوادآموزی می‌باشند که به سه گروه دوره سوادآموزی، تحکیم سواد و انتقال تقسیم می‌شوند و شرایط ادامه تحصیل آنها در مدارس متفاوت است، اما در آیین‌نامه اجرایی به این مهم اشاره‌ای نشده است. مؤید این اهمیت، ماده (۳۵) آیین‌نامه اجرایی مدارس مصوب ۱۳۷۹ است که به تفصیل به ذکر شرایط ادامه تحصیل دارندگان مدارک تحصیلی نهضت سوادآموزی پرداخته است.

- براساس قوانین متعددی، ثبت‌نام کودکان لازم‌التعلیم در مدارس الزامی است و ولی قانونی کودک مکلف به این امر است و در این باره قوانین مذکور جرم‌انگاری کرده‌اند که در ادامه برخی از آنها اشاره می‌شود: قانون اساسی معارف (مصوب ۱۳۹۰ش): ماده (۵) - هرکس مکلف است اطفال خود را از سن هفت به تحصیل معلومات ابتدائیه وادار اعم از اینکه در خانه باشد یا در مدرسه. قانون راجع به آموزش و پرورش عمومی و اجباری و رایگان (مصوب ۱۳۲۲ش)، ماده (۵) - در نقاطی که طبق ماده چهارم اجباری بودن تعلیمات اعلام شده است اهالی مکلفند اطفال خود را که سنشان ۶ سال تمام باشد در شهریورماه در دبستان‌ها نام‌نویسی کنند هرگاه طفلی به واسطه بیماری نتواند در موقع مقرر مشغول تحصیل شود ولی او موظف است او را بلافاصله پس از رفع نقاهت به دبستان معرفی نماید. ماده (۹) - اولیا اطفال که در موقع مقرر برای ثبت اسامی فرزند خود به دبستان مراجعه نمایند متخلف محسوب و مشمول ماده (۶) قانون آموزش ابتدایی اجباری خواهند بود (ده ریال جریمه نقدی).

مدرسه به‌عنوان واحد صف وزارت آموزش و پرورش که وسیع‌ترین ارتباط را با اولیای کودکان و دانش‌آموزان دارد، می‌توان وظیفه مهمی در خصوص اجرای این موضوع از جهت شناسایی افراد موضوع دو قانون قبلی و معرفی آنها به مراجع ذی‌ربط داشته باشد. این در حالی است که برای چنین مسئله مهمی هیچ سازوکاری در آیین‌نامه اجرایی مدارس دیده نشده است.

ماده (۴۱) - ثبت‌نام دانش‌آموزان در نزدیک‌ترین مدرسه به محل سکونت آنان، در اولویت خواهد بود و ثبت‌نام از دانش‌آموزانی که والدین آنها هر دو شاغل هستند، در مدرسه نزدیک به محل کار پدر یا مادر، بلامانع است.

بررسی: متن ماده (۴۱) فعلی عیناً همان متن ماده (۳۱) آیین‌نامه اجرایی سال ۱۳۷۹ است و در هر دو، اولویت ثبت‌نام دانش‌آموزان، نزدیکی آنها به مدرسه است. اما آنچه در این باره به‌ویژه در یک دهه اخیر عملاً جامعه شهری با آن روبه‌رو بوده است مشکلات و چالش‌هایی است که خانواده‌ها به‌هنگام ثبت‌نام با آن مواجه بوده‌اند. یکی از عمده این مشکلات آن است که اداره مناطق و نواحی آموزش و پرورش محدوده خود را به واحدهای کوچک‌تری تقسیم می‌کنند و ملاک ثبت‌نام دانش‌آموزان در یک مدرسه را قرار گرفتن محل سکونت آنها در آن منطقه مشخص اعلام می‌کنند و همین امر به‌شدت مورد اعتراض اولیا و خانواده‌ها قرار گرفته است زیرا در مواردی، با آنکه محل سکونت فرد در نزدیکی مدرسه قرار دارد اما در محدوده جغرافیایی تعیین شده مدرسه نیست و همین امر مانع از ثبت‌نام دانش‌آموز در آن مدرسه می‌شود و فرد مجبور به ثبت‌نام در مدرسه‌ای می‌شود که با محل سکونت وی فاصله بسیار دارد.

به‌نظر می‌رسد آنچه در عمل چنین مشکلاتی را ایجاد کرده است همان ملاک قرار گرفتن در محدوده جغرافیایی تعیین شده ادارات مناطق و نواحی است، از این رو پیشنهاد می‌شود برای رفع چنین مشکلی، ملاک شعاع مسافتی با مدرسه با ملاک قبلی جایگزین شود به این نحو که مدرسه، کانون شعاع قرار گیرد و دانش‌آموزان با شعاع مسافتی به‌طور مثال ۵ کیلومتری از مدرسه مجاز به ثبت‌نام در آن مدرسه باشند، این ملاک می‌تواند تا حدود زیادی مسائل مربوط به رفت و آمد دانش‌آموزان را حل کند.

ماده (۴۲) - حضور و استفاده از کلاس درس، به‌صورت مستمع آزاد ممنوع است.

تبصره - دانش‌آموزی که به ضرورت در محلی غیر از محل ثبت‌نام خود بسر می‌برد، می‌تواند با ارائه گواهی اشتغال به تحصیل از مدرسه مبدأ، در یکی از مدارس مقصد به‌صورت موقت، ادامه تحصیل دهد. صدور هرگونه مدرک تحصیلی به‌عهده مدرسه مبدأ است.

بررسی: در ماده (۴۲) گزینه و تبصره‌ای برای شرکت غیرحضوری دانش‌آموز در کلاس درس وجود ندارد و می‌توان چنین گزینه‌ای را نیز در نظر گرفت.

ماده (۸۵) - پوشش دانش‌آموزان دختر و پسر باید ساده، زیبا، متنوع، آراسته، شاد، متناسب با فرهنگ اسلامی ایرانی، عرف جامعه، اقتضائات محیطی، شرایط اقلیمی، سنی و جنسیتی آنان باشد. انتخاب نوع و رنگ پوشش و لباس دانش‌آموزان با مشارکت شورای دانش‌آموزان، به‌عهده شورای مدرسه است و برنامه‌ریزی و اقدام برای تهیه لباس دانش‌آموزان و نظارت بر فرایند آن، به‌عهده انجمن اولیا و مربیان مدرسه خواهد بود.



بررسی: در متن ماده (۸۵) از عناوین کلی و قابل تفسیری استفاده شده است که حدود مشخص و تعریف دقیقی ندارند، عباراتی همچون زیبا، متنوع، آراسته، شاد متناسب با عرف جامعه و اقتضائات محیطی. این عبارت دقیق نبوده و ملاک و سنجه مشخصی برای آنها وجود ندارد. اما مسئله مهم در خصوص لباس دانش‌آموزی که همواره مطرح است عدم شفافیت در خصوص منابع مالی حاصله و انحصار در زمینه مراکز تهیه و توزیع لباس دانش‌آموزان است. پیشنهاد می‌شود برای رهایی از انحصار ایجاد شده در سال‌های اخیر، الگوی مناسب پوشش دانش‌آموزان توسط شورای مدرسه انتخاب شود و اولیا براساس آن الگو، آزادانه و از طریق مراکز متنوع و مختلف اقدام به تهیه لباس و پوشاک کنند به نحوی که مراکز تهیه پوشاک مدارس محدود نباشند.

دیگر آنکه عبارت «انتخاب نوع و رنگ پوشش و لباس دانش‌آموزان با مشارکت شورای دانش‌آموزان، به‌عهده شورای مدرسه است.» با مفاد ماده (۸۵) همخوانی ندارد زیرا از یک‌سو اختیاراتی همچون تنوع و زیبایی در لباس برای دانش‌آموزان در نظر گرفته شده و از سوی دیگر، انتخاب نوع و رنگ لباس به‌عهده شورای مدرسه گذاشته شده است.

ماده (۷۲) - مقررات انضباطی دانش‌آموزان با توجه به موارد زیر توسط شورای مدرسه با مشارکت و همکاری شورای دانش‌آموزان، تدوین و ابلاغ می‌شود. رعایت این مقررات برای دانش‌آموزان الزامی است. تبصره «۲» - دانش‌آموزان می‌توانند در چارچوب وظایف خود و با تأیید شورای مدرسه و با مدیریت و نظارت مدرسه، برابر شیوه‌نامه‌های مربوط نسبت به خرید و فروش محصولات و دست‌ساخته‌های خود اقدام کنند.

بررسی: با توجه به رشد روزافزون استفاده دانش‌آموزان از وسایل ارتباطی هوشمند و مواد کمک‌آموزشی الکترونیک در مدارس، امروزه یکی از رفتارهای غالب دانش‌آموزان به همراه داشتن این ابزارهای الکترونیک در مدارس است که البته همواره مورد اعتراض و مخالفت مسئولان مدارس قرار گرفته است. باین حال این امر مهم در ماده (۶۶) با موضوع مقررات انضباطی دانش‌آموزان مورد توجه قرار نگرفته است.

در تبصره «۲» نیز خرید و فروش محصولات تولیدی دانش‌آموزان در مدارس مجاز شمرده شده است درحالی‌که درخصوص این تبصره ابهام‌هایی وجود دارد که ممکن است عملکرد مدرسه را با چالش‌هایی مواجه کند، ازجمله: چه نوع محصولات تولیدی؟ تولیدات درون مدرسه یا بیرون از مدرسه؟ سازوکار ناظر بر درآمدهای حاصله چگونه است؟

تبصره «۲» ماده (۵۰) - غیبت غیرموجه سه ماه متوالی و بیشتر دانش‌آموزان مشمول از نظر مقررات نظام وظیفه ترک تحصیل تلقی می‌شود. مدیر مدرسه موظف است مراتب ترک تحصیل آنها را به مراجع مربوط اعلام کند.

بررسی: متن تبصره، دارای ابهام است و مراد از مراجع مربوط مشخص نیست، به این نحو که مراجع مربوطه می‌تواند اداره آموزش و پرورش مناطق، نواحی، ادارات کل استان‌ها، وزارت آموزش و پرورش، نواحی انتظامی، سازمان نظام وظیفه عمومی و ... باشد. افزون‌براین، مدرسه با توجه به جایگاه اداری خود، منطقی‌اً نمی‌تواند با بسیاری از دستگاه‌ها تعامل مستقیم داشته باشد.

ذیل مواد (۷۲) تا (۸۷) مربوط به مقررات انضباطی و وظایف دانش‌آموزان، پیشنهاد می‌شود که در ابتدای ثبت‌نام دانش‌آموزان در مدارس، شرحی از مقررات انضباطی دانش‌آموزان و وظایف آنها به رؤیت دانش‌آموز و اولیای وی رسانده شود و هر دو متعهد به رعایت مفاد آن شوند.

سرفصل مواد (۷۵) تا (۸۴) - تشویق و تنبیه (آگاهی‌بخشی)

ماده (۸۲) - مدیر موظف است با همکاری معلمان، مربیان و شورای دانش‌آموزان، منشور اخلاقی مدرسه و نظام ترغیب، تشویق و آگاهی‌بخشی مصوب شورای مدرسه را به تناسب سن و فهم دانش‌آموزان و به اقتضای شرایط، به آنان آموزش داده و به اطلاع اولیای دانش‌آموزان برساند.

بررسی: با توجه به بار معنایی ضدارزشی و اثر سوء تربیتی واژه تنبیه، پیشنهاد می‌شود از واژه دیگری به جای آن استفاده شود. نکته دیگر آنکه مدیران مدارس با توجه به کثرت امور اداری و جاری و کثرت بخشنامه‌های ارجاعی از ستاد به مدرسه و نیز نقش مهم راهبری مدرسه، فرصت و زمان کافی برای تدوین برنامه‌های عدیده موجود در آیین‌نامه پیش‌رو را ندارند. برخی از این برنامه‌ها عبارتند از: نظام ترغیب و تشویق و آگاهی‌بخشی دانش‌آموزان، منشور اخلاقی مدرسه، منشور دانش‌آموزان مدرسه. به نظر می‌رسد روح سند نویسی و علاقه وافر به این امر، به پایین‌ترین سطح یعنی آیین‌نامه اجرایی مدرسه نیز کشانده شده است. همچنین به نظر می‌رسد منشور اخلاقی مدرسه در زمانی که ما باید آموزش تلفیقی (آموزش مجازی و حضوری) را در مدرسه حقیقی و مدرسه مجازی داشته باشیم، تفاوت می‌کند و الزامات مدرسه مجازی نیز باید در آیین‌نامه اجرایی مدارس دیده شود.

ماده (۹۵) - تبلیغ و فروش هر نوع کتب و منابع کمک آموزشی (درسی) در مدارس و الزام دانش‌آموزان به خرید آنها، به‌ویژه در دوره ابتدایی ممنوع است.

بررسی: در صورتی که منابع و مواد آموزشی و تربیتی استاندارد می‌تواند سبب تعمیق فرایند یادگیری، تحقق اهداف برنامه‌های آموزشی و تربیتی و پیشرفت تحصیلی متربیبان و دانش‌آموزان شود باید با همین منطق بتوان از این ظرفیت در دوره ابتدایی و متوسطه اول نیز بهره برد و هیچ توجیه و استدلالی وجود ندارد که دانش‌آموزان این دو دوره را از این منابع محروم ساخت. برای مثال رسانه‌های الکترونیکی، چندرسانه‌ای‌ها، نرم‌افزارهای آموزشی و دیگر ابزارهای آموزشی و کمک‌آموزشی در حال حاضر به‌ویژه در شرایط کرونایی یا شرایط اضطراری مشابه کارکرد و نقش بسیار مهمی در فرایند یاددهی - یادگیری دارند



و آموزش در شرایط مذکور بدون استفاده از این مواد امکان‌پذیر نیست. بنابراین وزارت آموزش و پرورش باید به جای قاعده‌گذاری در خصوص اعمال محدودیت ورود و استفاده از این منابع آموزشی، ضوابطی را در خصوص نحوه استفاده و بهره‌برداری از آنها در همه دوره‌های تحصیلی تعیین کند.

همچنین به صورت اطلاق در خصوص کتب و منابع درسی و غیردرسی نمی‌توان حکم داد. برای مثال قصه به‌ویژه برای دانش‌آموزان دوره ابتدایی یک منبع کمک‌درسی و غیردرسی مهم به‌شمار می‌رود و با هیچ منطقی نمی‌توان استفاده معلم و مربی را از این ابزار مهم مانع شد.

به نظر می‌رسد با توجه به اینکه در سال‌های گذشته برخی مؤسسات برای فروش محصولات غیرمجاز آموزشی خود در مدارس ابتدایی ورود داشته‌اند، این ماده و تبصره‌های آن تدوین شده است، اما باید در نظر داشت برای حل یک مسئله، نباید صورت آن را پاک کرد و همه وجوه مثبت استفاده از محصولات و منابع آموزشی و کمک‌آموزشی را نادیده گرفت بلکه برای جلوگیری از پیامدهای منفی در این خصوص، ضوابط لازم را تعیین کرد.

ماده (۹۹) - برگزاری هر نوع آزمون در دوره ابتدایی و دوره اول متوسطه به غیر از آزمون‌های مصرح در آیین‌نامه‌های مربوط تحت عناوین مختلف، از جمله آزمون‌های پیشرفت تحصیلی ممنوع است.

بررسی: عبارت «آزمون‌های مصرح در آیین‌نامه‌های مربوط» در متن ماده (۹۷) دارای ابهام است زیرا دایره شمول و مصادیق آن مشخص نیست و همین سردرگمی مدیران مدارس را در پی دارد.

ماده (۱۰۲) - همه عوامل مدرسه، به‌ویژه معلمان برای غنی‌سازی و تنوع‌بخشی به محیط یادگیری و تقویت روحیه پژوهشی (فردی و گروهی) دانش‌آموزان، باید زمینه استفاده از روش‌های علمی، فناوری‌های نوین، پایگاه اطلاعاتی، کتاب‌ها و منابع آموزشی، پژوهش‌سراها، اردوگاه‌ها، کانون‌های فرهنگی و تربیتی، کتابخانه‌های عمومی، دانشگاه‌ها، مراکز علمی، پارک‌های علم و فناوری و ارتباط با پژوهشگران و ... را فراهم آورند.

بررسی: مفاد این ماده با موضوع زمینه‌سازی استفاده دانش‌آموزان از پایگاه‌های اطلاعاتی، کتاب‌ها و منابع آموزشی با ماده (۹۵) در خصوص ممنوعیت استفاده از هرگونه کتب و منابع درسی و غیردرسی در مدارس دوره ابتدایی، مغایرت دارد.

مواد (۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰ و ۱۱۱) فصل پنجم آیین‌نامه (بهداشت و سلامت، فضا، تجهیزات و فناوری):

در فصل پنجم، بهداشت و سلامت را به این شکل تعریف کرده است: سلامت عبارت است از تأمین رفاه کامل جسمی، روانی و اجتماعی انسان و نه فقط نبود بیماری یا معلولیت و بهداشت به علم و هنر پیشگیری از بیماری‌ها و حفظ سلامت اشاره دارد.

بررسی: در بیانیه ارزش‌های سند تحول بنیادین نیز سلامت جسمانی و نشاط دانش‌آموزان یکی از گزاره‌های ارزشی نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی شناخته شده است. آموزش و پرورش در قبال تضمین سلامت دانش‌آموزان مسئول است. ردیف ۱۰ بیانیه ارزش سند تحول بنیادین به سلامت جسمانی، نشاط و تقویت اراده دانش‌آموزان اشاره می‌کند. همچنین در قسمت مدرسه در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴، راهبردهای کلان سند تحول بنیادین و بخشی از هدف عملیاتی شماره ۱ به اهدافی ناظر به سلامت دانش‌آموزان پرداخته است و انتظار می‌رود که مواد (۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰ و ۱۱۱) آیین‌نامه اجرایی نیز راهکارهای عملیاتی ناظر به نشاط و تقویت اراده دانش‌آموزان را پیش‌بینی می‌کرد و مشاهده می‌شود که آیین‌نامه در فصل پنجم خود که ناظر به بهداشت و سلامت است، نسبت به نشاط و تقویت اراده دانش‌آموزان که در ردیف ۱۰ بیانیه ارزش سند آمده است، مسکوت است.

ماده (۱۲۲) - مدرسه باید از فناوری اطلاعات و ارتباطات به‌عنوان ابزاری برای خلق فرصت‌های تربیتی جدید و تحول در کیفیت فرایند تعلیم و تربیت، با کنترل آثار نامطلوب آن است.

بررسی: پیشبرد آموزش الکترونیک همواره در چشم‌انداز وزارت آموزش و پرورش نیز مورد توجه و تأکید قرار گرفته است و استفاده بهینه از آموزش‌های مجازی به‌عنوان آموزش مکمل، ضروری و مورد نیاز نظام آموزشی است. در این راستا، مدرسه و آموزش و پرورش متناسب با آموزش الکترونیک رشد پیدا نکردند و برنامه عملی مدونی در آیین‌نامه اجرایی نسبت به این موضوع مشاهده نمی‌شود، درحالی‌که مستندات قانونی متعددی در راستای آموزش‌های مجازی وجود دارد و باید ناظر به آنها، برنامه عملیاتی در آیین‌نامه اجرایی وجود داشته باشد. بند «۴-۷» و بند «۱۳» سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش به این دو نکته اشاره می‌کند: ۱. تجهیز مدارس به فناوری اطلاعاتی و ارتباطی و فراهم آوردن زمینه استفاده بهینه از آموزش‌های مرتبط با فناوری‌های نو در مدارس. ۲. استقرار نظام جامع رصد، نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت در نظام آموزش و پرورش. راهبرد کلان ۷، زیرنظام سه راهکار ۲-۵، هدف عملیاتی ۶، راهکار ۱-۱۷، ۲-۱۷، ۳-۱۷ و ۴-۱۷ و هدف عملیاتی ۱۹ سند تحول بنیادین درخصوص آموزش مجازی، توسعه ضریب نفوذ شبکه ملی اطلاعات و ارتباطات (اینترنت) در مدارس پرداخته که در آیین‌نامه اجرایی نکاتی ناظر به عملیاتی کردن آنچه در اسناد بالادستی آمده است، مشاهده نمی‌کنیم. همچنین ماده (۱۲۲) ناظر به دوره مدرسه در پساکرونا به تغییری متناسب با شرایط امروز مدرسه در دوران پساکرونا نیاز دارد. با این توضیح که آموزش در شرایط کرونایی برخلاف شرایط عادی در بستر فضای مجازی به دانش‌آموزان ارائه می‌شود و از همین‌رو مؤلفه‌هایی همچون دسترسی به ابزارهای الکترونیکی و هوشمند همچون تبلت دانش‌آموزی، دسترسی به اینترنت، سواد رسانه‌ای اولیا و دانش‌آموزان برای استفاده از فضای مجازی، مهارت معلمان در تولید محتوای درسی الکترونیکی، صیانت



از حقوق کاربران و مواردی از این دست در فرایند یاددهی - یادگیری دخیل شده‌اند بنابراین بسیار ضرورت دارد الزاماتی در این خصوص ذیل ماده (۱۲۲) آیین‌نامه مذکور دیده شود.

بی‌توجهی به جایگاه و نقش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و تعامل آن با مدارس در آیین‌نامه اجرایی مدرسه که تحول در کیفیت فرایند تعلیم و تربیت در توجه به این امر نهفته است و یکی از نمودهای آن عدم اهتمام جدی به شبکه ملی مدارس (رشد) است. براساس برنامه زیرنظام تأمین فضا، تجهیزات و فناوری مصوب جلسه ۹۳۳ شورای عالی آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی موظف به تهیه و تدوین استانداردهای نرم‌افزاری، سخت‌افزاری، زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات و محتوای الکترونیکی مورد نیاز مدارس مبتنی بر برنامه درسی ملی است. این در حالی است که بعد از گذشت حدود چهار سال از تصویب این زیرنظام، سند مذکور در سازمان پژوهش تهیه نشده است و همچنین در آیین‌نامه اجرایی مدارس نیز به نقش محوری این سازمان و چگونگی تعامل آن با مدارس اشاره نشده است.

آموزش و توانمندسازی معلمان در حوزه آموزش الکترونیکی، یکی از پیش‌شرط‌های استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات به‌عنوان ابزاری برای خلق فرصت‌های تربیتی جدید است، درحالی‌که این امر مهم در آیین‌نامه اجرایی مدارس مورد توجه قرار نگرفته است.

همچنین در گذشته نه‌چندان دور (در زمان پیشاکرونا) همراه داشتن گوشی‌های تلفن در مدارس و کلاس درس ممنوع بود اما امروزه (دوران کرونا) گوشی‌های موبایل به یک ابزار مهم و ضروری آموزشی تبدیل شده که نقش معلم، کتاب، کیف و حتی مداد را بازی می‌کند و همراه داشتن این وسیله طبق قوانین زمان پیشاکرونا در مدارس ممنوع و تخلف از قوانین بوده است و با نگاهی ممکن است اقتدار مدیر، معلم و کارکنان مدرسه را زیر سؤال ببرد و حتی ممکن است در کلاس درس، یافته‌ها و جستجو یک دانش‌آموز در گوگل از اطلاعات معلم و کتاب موجود درسی پیشی بگیرد.

باید دانست بازگشت به زمان پیشاکرونا که براساس قوانین موجود مدرسه همراه داشتن گوشی موبایل تخلف و جرم محسوب می‌شد امر آسانی نخواهد بود و به‌منزله خلع سلاح دانش‌آموز است و مهم‌تر از آن در زمان پساکرونا حیرت‌آور خواهد بود که دانش‌آموزی فاقد گوشی هوشمند تلفن همراه باشد، آیین‌نامه اجرایی مدارس ناظر به چنین تحولاتی مسکوت است.

ماده (۱۲۷) - منابع مالی مدرسه عبارتند از:

۱. اعتبارات دولت که به‌صورت سرانه دانش‌آموزی پرداخت می‌شود،
۲. کمک‌های مردمی،
۳. سهمی که از طریق شورای آموزش و پرورش شهرستان یا منطقه از عوارض اخذ شده در اختیار مدرسه قرار می‌گیرد،

۴. وجوه حاصل از ارائه خدمات آموزشی و پرورشی فوق برنامه،

۵. سایر منابع مالی.

بررسی: اول آنکه کمک‌های مردمی باید داوطلبانه و اختیاری باشد و این قید در متن اضافه شود، دوم آنکه سازوکار مالی و اداری ارائه خدمات آموزشی و پرورشی و نحوه هزینه‌کرد آنها مشخص نشده است، سوم اینکه پیش‌تر و براساس ماده (۱۱) آیین‌نامه یکی از منابع درآمدی مدرسه، استفاده از ظرفیت مدارس و فضای آن در اوقات غیررسمی است بنابراین وجوه حاصله باید به‌مثابه یکی از منابع مالی مدرسه قید شود. چهارم آنکه عبارت (سایر منابع مالی) ابهام دارد و مصادیق آن مشخص نشده است و همین امر موجبات سوءاستفاده از منابع درآمدی مختلف را می‌تواند دربرداشته باشد.

ماده (۱۳۴) - در مدارس دولتی، اخذ هرگونه وجه اجباری به‌استثنای وجوه مربوط به بیمه دانش‌آموزی و هزینه کتب درسی خارج از ضوابط این آیین‌نامه توسط مدیران مدارس ممنوع است. دریافت یا اعطای کمک‌های مردمی در خارج از فصل ثبت‌نام مدرسه، بلامانع است.

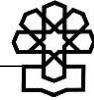
تبصره - دریافت وجه نقد، دریافت چک در وجه حامل و دریافت چک در وجه مدرسه یا به هر شیوه‌ای غیر از واریز به حساب مدرسه، ممنوع است.

بررسی: در ذیل ماده (۱۳۴) عبارت بلامانع بودن دریافت کمک‌های مردمی در خارج از فصل ثبت‌نام، توجیهی برای دریافت این منابع از اولیای دانش‌آموزان خواهد شد، به‌ویژه آنکه کمک‌های مردمی در ماده (۱۲۷) یکی از منابع مالی مدارس برشمرده شده است. تجربه دریافت کمک‌های مردمی اجباری در مدارس، نشان می‌دهد حتی در مواردی که این کمک‌ها با ممنوعیت روبه‌رو بوده است، وجوهی اجباراً از اولیا تحت عنوان کمک‌های مردمی اخذ شده است و همواره اولیا به این امر اعتراض کرده‌اند. با این همه، قید بلامانع بودن دریافت این کمک‌ها و عدم قید داوطلبانه و اختیاری بودن سبب خواهد شد روند اخذ وجوه اجباری از اولیا در مدارس شدت یابد.

درخصوص تبصره و ممنوعیت دریافت وجه نقد در مدارس، پیشنهاد می‌شود برای عملیاتی کردن این ممنوعیت، همه مدارس ملزم شوند که به دستگاه پوز بانکی مجهز شوند و همه دریافت‌های خود از اولیا را از این طریق انجام دهند، به‌نحوی که اولیا اطلاعات مربوط به پرداخت خود همچون مبلغ پرداختی، مورد پرداختی، زمان پرداختی و حساب مقصد به شماره همراه اولیا ارسال شود.

تبصره «۲» ماده (۱۴۱) - استفاده از همکاری منابع انسانی غیررسمی با رعایت قوانین و ضوابط مربوط پاره‌وقت یا تمام‌وقت، بدون ایجاد هرگونه تعهد استخدامی برای دولت پس از تصویب در شورای مدرسه امکان‌پذیر است.

بررسی: درخصوص این بند چند نکته اساسی وجود دارد:



نخست آنکه تجربه به کارگیری نیروی انسانی در مدارس به صورت پاره‌وقت یا تمام‌وقت به‌ویژه در یک دهه گذشته نشان می‌دهد اگرچه براساس متن قرارداد کارکنان مذکور با وزارت آموزش و پرورش یا مدرسه، آن وزارتخانه هیچ‌گونه تعهد استخدامی در قبال آنها نداشته است، اما همه آن افراد با فشارهای مختلف بر نهاد قانونگذار در قالب قانون تعیین تکلیف استخدامی معلمان حق‌التدریسی و آموزشیاران نهضت سوادآموزی در وزارت آموزش و پرورش مصوب ۱۳۸۸/۷/۱۵ و اصلاحات و الحاقات دهگانه بعدی آن به استخدام وزارت آموزش و پرورش درآمدند و این موضوع بنابر اذعان وزارت آموزش و پرورش به یک مسئله جدی در خصوص سامان‌دهی نیروی انسانی مورد نیاز تبدیل شده است. نیروی حق‌التدریس غیرمستمر، مریبان پیش‌دبستانی، آموزشیاران مستمر و غیرمستمر نهضت سوادآموزی و نیروهای خرید خدمات آموزشی از این گروه هستند.

دوم آنکه ضوابط و مقررات مربوط به استفاده از نیروی انسانی آزاد و محدودیت‌های مربوطه تعیین نشده است بلکه این مهم به عبارت کلی «با رعایت قوانین و ضوابط مربوط» ارجاع شده است درحالی‌که منظور از قوانین و ضوابط مربوط مشخص نیست زیرا درخصوص به کارگیری نیروی انسانی تعداد بسیار زیادی قانون و ضابطه وجود دارد و همین کلی‌گویی می‌تواند سبب سردرگمی، ابهام، تشتت، اعمال سلیقه و سوءاستفاده افراد از این بند و موضوع آن باشد.

سوم آنکه به کارگیری نیروی انسانی مورد نیاز باید مبتنی بر شاخص‌های صلاحیت حرفه معلمی باشد درحالی‌که هیچ مرجع و سازوکاری برای سنجش صلاحیت‌های حرفه‌ای این نیروها در متن آیین‌نامه اجرایی مشخص نشده است. همچنین در بحث سنجش و ارزیابی عملکرد پرسنل از شاخصه‌های صحیح و روزآمد منابع انسانی استفاده نشده و روش‌های بسیار قدیمی پیش گرفته شده است.

مهم‌تر آنکه براساس ماده (۸) قانون تعیین تکلیف استخدامی معلمان حق‌التدریسی و آموزشیاران نهضت سوادآموزی در وزارت آموزش و پرورش مصوب ۱۳۸۸/۷/۱۵ از تاریخ تصویب این قانون، به کارگیری نیروی حق‌التدریس در وزارت آموزش و پرورش ممنوع است و سایر انواع به کارگیری نیز براساس قوانین مربوطه است.

ماده (۱۴۴) - حداکثر دو ساعت از ساعات موظف معلمان به مطالعه، پژوهش، بازآموزی، به‌روزرسانی دانش تخصصی و مهارت‌های حرفه‌ای، تبادل اطلاعات و تجارب با دیگران، تعامل با دانش‌آموزان و اولیای آنان و انجام سایر فعالیت‌های مرتبط با تعلیم و تربیت اختصاص دارد. مدیر مدرسه می‌تواند با توجه به شرایط مدرسه، این فرصت را برای کارکنان مدرسه فراهم آورد.

بررسی: براساس مفاد سند تحول بنیادین، تربیت، جریان خطی و یک‌سویه نیست که از سوی معلم به جانب دانش‌آموزان سرازیر شود، بلکه امری است که در ساحت‌های مختلف و در کلیت و تمامیت ابعاد وجودی متربی جریان می‌یابد و شکل می‌گیرد. این پیچیدگی و چندساحتی بودن امر تعلیم و تربیت، لزوم بهره‌مندی از مریبان که به ساحت‌های وجودی انسان آگاه بوده و شایستگی و توانایی ارائه امر

پیچیده و ذومراتب تربیت در مدرسه را داشته باشند، اجتناب‌ناپذیر می‌کند. از منظر سامان‌دهی نیروی انسانی و معلمان در مدارس و نیز از منظر اقتصاد آموزش و پرورش تربیت معلم چند ساحتی و چند مهارتی، توجیه‌پذیر بوده و ضرورت و اهمیت دارد. آموزش و توانمندسازی چندساحتی معلمان در آیین‌نامه اجرایی دیده نشده است. هدف عملیاتی ۱۱ سند تحول و بند ۳۰ گزاره‌های ارزشی سند تحول بر جامعیت، یکپارچگی و توجه متوازن به ساحت‌های تربیت تعلیم و تربیت و برنامه درسی تربیت معلم متناسب با آن اشاره می‌کند که در آیین‌نامه اجرایی مدارس، برنامه عملی ناظر به معلمی که هدف سند تحول بنیادین است، اشاره نکرده است و راهکار ۲-۶ زیرنظام برنامه درسی سند تحول بنیادین بر این نکته تأکید می‌کند که مبنی بر تولید برنامه درسی تلفیقی (یکپارچه) و مسئله‌محور با استفاده از ظرفیت خارج از مدرسه و ناظر به چنین راهکاری شاهد برنامه عملیاتی در آیین‌نامه اجرایی نیستیم.

جمع‌بندی

بررسی و تحلیل متن آیین‌نامه اجرایی مدارس نشان می‌دهد:

- آیین‌نامه اجرایی مدارس از منظر شکلی دارای دیباچه‌ای است که سعی دارد همسویی خود را با سند تحول بنیادین و دیگر اسناد بالادستی نشان دهد، اما روح اصلی و حاکم بر متن آیین‌نامه اجرایی همان روح حاکم بر آیین‌نامه اجرایی مصوب سال ۱۳۷۹ است.
- هدف‌های عملیاتی بسیاری در سند تحول بنیادین و دیگر اسناد بالادستی وجود دارد که متن آیین‌نامه اجرایی آنها را بدون پاسخ گذاشته است یا به‌طور شایسته آنها را مورد توجه قرار نداده است که از جمله آنها می‌توان از موارد و موضوع‌های ذیل نام برد: سازوکار تعمیق ارزش‌های فرهنگی و تربیتی در دانش‌آموزان (هدف عملیاتی ۳)، افزایش مشارکت خانواده و ایفای نقش تربیتی (هدف عملیاتی ۴)، افزایش نقش مدرسه به‌عنوان یکی از کانون‌های پیشرفت محلی (هدف عملیاتی ۷)، جلب مشارکت ارکان سهیم بخش عمومی و غیردولتی در تعلیم و تربیت رسمی عمومی (هدف عملیاتی ۹) و استفاده هوشمندانه از فناوری‌های نوین (هدف عملیاتی ۱۷).
- بعد از شیوع ویروس کرونا، نظام آموزش و پرورش وارد مرحله جدیدی شد که در آن آموزش و پرورش در بستر فضای مجازی به دانش‌آموزان ارائه می‌شود. این دوره ناظر به تغییرات بنیادینی که نسبت به آموزش حضوری دارد، الزامات و بایسته‌های ویژه خود را دارد که بسیار ضروری است این الزامات در آیین‌نامه اجرایی مدارس دیده شود که متأسفانه در پیش‌نویس مذکور نادیده گرفته شده‌اند. در دوران کرونا همه وجوه آموزش و پرورش در یک موقعیت مشکل‌زا قرار گرفته و آموزش و پرورش ناگهان یک اکولوژی و یک زیست‌بوم جدید را تجربه می‌کند که همه ابعاد آن از نقش والدین، دانش‌آموزان،



معلمان و مشکلات آنها، تولید منابع آموزشی، مدیریت مدرسه و برنامه‌ریزی آموزشی مدرسه به یک صورت‌بندی تازه نیاز دارد.

- پرسش‌هایی در حوزه اجرایی مدارس وجود دارد که متن آیین‌نامه اجرایی مدارس درخصوص آنها سکوت کرده و یا پاسخی کامل و جامع برای آنها ارائه نکرده است، از جمله: مقررات مربوط به مدیریت زمان آموزش و تعطیلات فصلی و منطقه‌ای، مقررات مربوط به سرویس‌های حمل‌ونقل دانش‌آموزان، مقررات و ضوابط استعدادیابی، هدایت تحصیلی و انتخاب رشته، مقررات و ضوابط مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های مدرسه، ضوابط تأمین و هزینه‌کرد مالی و استفاده از مشارکت مالی اولیا، ضوابط فناوری اطلاعات، هوشمندسازی و فعالیت در فضای مجازی، ضوابط تدوین برنامه تربیتی و مهارتی مدرسه، استانداردهای ساختمانی و مقررات و ضوابط حفظ، نگهداری و ایمنی ساختمان، تجهیزات و

- نیازهای تربیتی و آموزشی کادر آموزشی در جهت افزایش کارآمدی و نوآوری، سنجش برنامه‌های گذشته از طریق تحلیل فعالیت‌ها براساس شواهد و نظرات و نتایج جهت اصلاح برنامه‌های موجود و تدوین برنامه‌های آتی، ایجاد بستر هم‌افزایی با سایر مدارس در جهت ارائه فعالیت‌ها و برنامه‌های موفق و اثربخشی و استفاده از برنامه‌های اثربخش دانش‌آموزی متقابل از سایر مدارس و بسترسازی و توسعه تولید محتواهای آموزشی متناسب با علم و فناوری‌های روزآمد و نیاز دانش‌آموزان عصر حاضر در متن آیین‌نامه اجرایی مدارس پرداخته نشده است.

- تنبیه‌های دانش‌آموزی بیان شده در آیین‌نامه اجرایی مدارس، متناسب با روزآمدی جامعه و تغییر و تحول نسل امروز نیست. به نظر می‌رسد تقسیم‌بندی مقررات انضباطی به دو دسته مقررات کلاسی و مقررات محیط آموزشی و تربیتی به تعریف دقیق نظارت بر دانش‌آموزان کمک خواهد کرد.

- افزون بر آنچه درخصوص کاستی‌های پیش‌نویس آیین‌نامه اجرایی مدارس آورده شد، پیشنهاد می‌شود موارد ذیل در مصوبه نهایی آیین‌نامه دیده شود؛ اعطای اختیارات به مدیر مدرسه درخصوص تقویم آموزشی و تعطیلی یا بازگشایی مدارس در شرایط خاص همچون شیوع بیماری‌های واگیردار، تعریف سازوکاری برای جذب کمک‌های خیرین از مسیر مدرسه، کاهش تمرکز ستادی و افزایش اختیارات مدیر مدرسه درخصوص مواردی همچون برگزاری اردوهای آموزشی، فرهنگی و تربیتی، تبیین و افزایش اختیارات شورای مدرسه در راستای جذب منابع مالی، تبیین سازوکاری دقیق برای استفاده از فضای آموزشی، پرورشی و ورزشی مدارس در ساعات غیرآموزشی.

منابع و مأخذ

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با کارگران و معلمان؛ ۱۳۷۶/۰۲/۱۰.
۲. قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور (۱۴۰۰-۱۳۹۶) مصوب مجلس شورای اسلامی.
۳. قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ مجلس شورای اسلامی.
۴. سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش کشور ابلاغی مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲.
۵. قانون تعیین تکلیف استخدامی معلمان حق‌التدریس و آموزشیاران نهضت سوادآموزی در وزارت آموزش و پرورش مورخ ۱۳۸۸/۷/۱۵ مصوب مجلس شورای اسلامی.
۶. قانون تعطیل مؤسسات و واحدهای آموزشی و تحقیقاتی و فرهنگی که بدون اخذ مجوز قانونی دائر شده و می‌شود مورخ ۱۳۷۲/۱۰/۷ مصوب مجلس شورای اسلامی.
۷. آیین‌نامه اجرایی قانون تعطیل مؤسسات و واحدهای آموزشی و تحقیقاتی و فرهنگی که بدون مجوز قانونی دایر شده و می‌شود، مورخ ۱۳۷۳/۰۳/۱۸ مصوب هیئت وزیران.
۸. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، شورای عالی انقلاب فرهنگی، آذرماه ۱۳۹۰.
۹. آیین‌نامه اجرایی مدارس، مصوب جلسه ۶۵۲ شورای عالی آموزش و پرورش مورخ ۱۳۷۹/۰۵/۲۰.
۱۰. پیش‌نویس آیین‌نامه اجرایی مدارس-شورای عالی آموزش و پرورش، بهمن ۱۳۹۸.
۱۱. بسته‌های اجرایی تحول‌آفرین شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۹.
۱۲. قانون راجع به آموزش و پرورش عمومی اجباری و مجانی مورخ ۱۳۲۲/۰۵/۰۶ مصوب مجلس شورای ملی.
۱۳. چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی مورخ ۱۳۸۲/۰۸/۱۳.
۱۴. اساسنامه مؤسسه آموزش از راه دور جلسه ۳۸۶ مورخ ۱۳۷۵/۰۹/۰۶ مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۱۵. زیرنظام راهبری و مدیریت نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۹۴۸ جلسه شورای عالی آموزش و پرورش مورخ ۱۳۹۶/۰۷/۲۴.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۷۷۲۴

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: نقد و بررسی پیش‌نویس آیین‌نامه اجرایی مدارس

نام معاونت: مطالعات فرهنگی

تهیه و تدوین‌کنندگان: موسی بیات، امیرحسین غفاری، حجت‌اله بنیادی

ناظران علمی: صادق ستاری‌فرد، مسعود فیاضی

اظهار نظرکننده: سیدمحمدحسین هاشمیان

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. آیین‌نامه اجرایی مدارس

۲. مدیریت مدرسه

۳. سند تحول بنیادین



تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۶/۱